

**جمهوری اسلامی برنده جنگ زودرس!  
اطلاعیه حزب**

صفحه ۳



**مرگ ژینا، تراژدی قتلی که دنیا را لرزاند**  
سه‌ند حسینی

صفحه ۳

**پیام شماره ۱: سربازان، درجه‌داران و افسران جزء!**

صفحه ۴



**آشفشان اعتراضات اجتماعی برای آزادی و  
برابری**

صفحه ۵

جمیل نظرگاهی

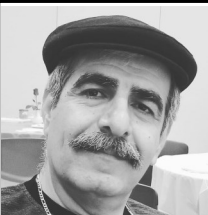


**مصاحبه محمد راستی با رادیو پیشه‌نگ**

**در باره جان باختن مهسا امینی**

صفحه ۶

ترجمه و تنظیم به فارسی: احمد بهزاد مطلق



**مروری بر شوراهای محلات سنندج**

(بنکه‌ها)

احمد بهزاد مطلق

”برگرفته از نشریه شماره ۲۵۰ کمونیست ماهانه”

صفحه ۱۵

مطالب دیگر ...

- اطلاعیه‌های حزب و دفتر کردستان! از صفحه ۷ تا صفحه ۱۵

- سوت‌اندنی حجاب و هله‌ه‌شوی هیزه نیسلامیه‌کان له

کوردستانی عیراق. ص (۱۸)

- هیرشی یه‌کیه‌تی نیشتمانی بو سهر کو‌بونه‌وه‌ی پشتیوانی له

ناره‌زایه‌تیه جه‌ماوه‌ریه‌کان له نیران. ص (۱۹)

**خیزهای یک جنبش**

سخن سر دبیر



خیابانهای ایران برای سومین هفته به تسخیر مردم درآمده است. اینبار دانش آموزان دختر در مدارس و یا رژه‌های خیابانی، موهای خود را به نسیم باد سپردند. با مشت‌های گره کرده، فریاد در گلو اسم مهسا را رمز آزادی خود کردند.

زن، مردان، دانشجویان، دانش آموزان ایران!

شما اعلام کردید که نه برای سوگواری بلکه برای دادخواهی آمده‌اید.

شماره‌روان صادق مهسا و مهسا‌های جانباز شده در راه آزاد زیستن هستید. نامتان، عزمتان، اراده و مبارزه‌تان سرود روز آزادیست.

شما نشان دادید که آزادیخواهی و برابری طلبی هیچ مرزی نمی‌شناسد. اتحاد و همبستگی شما در این چند روز، خون تازه‌ای به رگهای مبارزات جاری تان بخشید. نشان دادید که زیر بار سرکوب، اختناق و سلطه‌چل و خرافات مذهبی کمر خم نخواهد کرد.

ایران این روزها، صحنه جدال برابری حق زن، حق طلبی و علیه انقیاد و استعمار است.

در یک جبهه صفی متحد از محرومان جامعه را شاهدیم و در جبهه دیگر جانین و غارتگران زندگی و کرامت انسانی. جمهوری اسلامی امروز، در آتش خشم مهسا امینی و مهسا‌ها میسوزد. مردم، شما نشان دادید که مهسا خانواده‌ی به وسعت ایران دارد.

شعارهای ما همه مهسا هستیم، بجنگ تا بجنگیم. از کردستان تا تهران، خونین تمام ایران، به حق انعکاس دهنده اوج همبستگی، اتحاد و همسر نوشتی اقشار محروم و ستمدیده ایران است.

قتل مهسا امینی توسط گشت ارشاد در تهران، همچون طوفانی تمام فضای جامعه ایران را درنوردید. تظاهرات‌ها و خیزش‌های سراسری تا امروز در بیشتر شهرهای ایران، از زن و مرد، پیر

**آزادی، برابری، حکومت کارگری**

و جوان ، دانش آموزان و دانشجویان و کارگران و دیگر اقشار جامعه در محکومیت قتل مهسا امینی توسط اوباش جمهوری اسلامی، پرت کردن و آتش زدن روسری اما نه اینبار در کتج خانه و کوچه های خلوت بلکه در میان صفی عظیم از همسنگران خود در خیابانها، با مشت های گره کرده در مقابل نیروهای ارتجاعی و نظامی تا دندان مسلح، همه و همه تنها یک قطره از خشم فروخورده مردم تشنه آزادی و برابری ست.

### زنان مبارز ایران!

جمهوری اسلامی بارها و بارها نشان داده که هیچ جای ایران را برای زنان امن نخواهد گذاشت. چهل سال است جمهوری اسلامی تلاش می کند هر زمان شما زنان خواستید کمر راست کنید، با وحشیانه ترین وجه ممکن تلاش کند که به زانویتان درآورد.

اما کور خوانده اند. ای جانباں بارها نشان داده اند که چقدر ظرفیت بالای برای انسان کنشی و داغدار کردن خانواده ها و جامعه را دارند. اما باز هم پیروز این مبارزه شما بودید. همه میدانیم که ترویج خشونت های خانگی علیه زنان تا تلاش برای هر چه بیشتر به عقب راندن جایگاه نیمی از جامعه فقط و فقط از سر هراس و کابوسی است که چهل سال است شما در دلشان افکنده اید.

اما بالاخره امروز، این کابوس بمانند گلوله های آتش بر سرشان فرود آمد و به واقعیت پیوست.

پرت کردن و آتش زدن روسری، این نماد اسارت و بندگی، در روز روشن ، چشم در چشم کوردلان و تاریکی و شب پرستان و با پشتیبانی و حمایت میلیون ها انسان از سراسر دنیا، آتشی بر تمام جمال و جبروت این کاخ نشینان منبر نشین است.

دامنه تاثیر این جنبش نور امیدی را دوباره در دل میلیون ها انسان همسرنوشت در دنیا تاباند. بنابراین امروز، چشم های میلیون میلیون زن و مرد این کره خاکی به امروز و فردای شماست.

### مردم آزادی خواه و برابر طلب ایران

وظیفه بی نهایت سنگینی امروز بر شانه های شما افتاده است. شما قدم در راهی گذاشته اید که دیگر قابل برگشت نیست. فاتحان سنگری هستند که دیگر قابل پس دادن نیست. مشت های گره کرده شما دیگر قابل باز کردن نیست. جدالی که امروز شما در پیش میبرید، با دستان خالی اما با افکاری مسلح به ناب ترین آمل بشری، برای یک زندگی در خور انسان امروزی، تنها با ایمان و اراده متحدانه شما ، با سازمان و تشکل های مردمی تان، به پیش خواهد رفت.

### تعیین تکلیف این خیزش با مذهب و قوم پرستی ، از کردستان تا همه ایران، اولین دستاورد آن بود.

در آن روزهای اول، هنگامی که در سقز سپس سنندج مردم به خیابانها ریختند و مرگ تراژیک مهسا جرعه ای شد بر باروت خشم و عصبان سراسر ایران، شما اجازه ندادید که جریانات مذهبی و قوم پرست، چه بنام این و آن مذهب یا بنام کرد و ترک یا عرب و فارس، بین شما جدایی ایجاد کنند و صف متحد و سراسری تان را شقه شقه کنند،

صدای شما با شعارهای یکدست و سراسری، توطئه دوستان دروغین مردم و تلاش های تفرقه اندازانه را در دم خنثی کرد. همه این کمپ مجبور شدند( و در واقع مجبورشان کردید) تا اطلاع ثانوی خود را هم رنگ مردم در سراسر ایران، کنند.

مردم، اعلام خواست آزادی و برابری برای همه انسانها و شهروندان جامعه فارغ از هر جنسیت، قوم و مذهبی، برآمده از آرمان های انسانی، سراسری و متمدنانه شما است.

جهانی بر این واقعیت واقف است که اعلام اینکه همه انسانها بدون هیچ اما و اگری برابر و دارای حقوق مساوی هستند، یک خواست سوسیالیستی ست.

اعلام اینکه خواهان بازگرداندن قدرت و اداره جامعه به دست خود مردم هستید، یک اقدام شورای مبتنی بر خرد جمعی ست. خرد جمعی که پایه های قدرت مردمی شما در شوراهای تان را از همین امروز پایه ریزی می کند.

شما تنها با این شعار که هزاران هزار بار سر دادید، یک تعیین تکلیف عمیقا سیاسی، یک رویکرد کاملا انقلابی در تقابل با تمام قومپرستان و شوینبستهای ایرانی را ، در پیش گرفتید. رویکردی که تلاش این جریانات را، که با سو استفاده از مصائب و تبعیضات بر اینو آن بخش از مردم ، جز تفرقه افکنی و ایجاد شکاف قومی و ملی بین مردم آرمانی ندارند، را عملا خنثی و آنها را منزوی کردید.

جامعه ایران یکبار برای همیشه تکلیف سلطنت و حاکمیت «ژن همایونی «را در چهل سال گذشته، مشخص کرد. هرچند که انقلاب شکست خورد و حاصل آن شکست قدرت گیری ارتجاع اسلامی تا مغزاستخوان ضد زن و ضدانسانی شد که تنها با یک هولوکاست اسلامی توانست آن نسل انقلاب کرده را که در مقابل ارتجاع اسلامی مقاومت می کرد، را عقب بزند!

- خیزش این بار شما، بعد از چهل سال حاکمیت اسلامی، و با آگاهی و تجربه غنی

جامعه، می رود که یک تعیین تکلیف دیگر با یکی از خطرناک ترین حکومت ها یعنی جمهوری اسلامی را ، این بار پیروزمندان به سرانجام برساند.

این اتفاق به یقین همین امروز که شما در کف خیابانها هستید، ولوله ای در فضای سیاسی جهان براه انداخته است. این خیزش حتی همین امروز تاثیرات خود را بر جنبش های دیگر در سراسر دنیا به جای گذاشته است.

واقعیت این است که امروز دشمنان آزادی و برابری مترصد یک خطا و لغزش شما هستند تا بتوانند این جنبش که می رود راهگشای یک انقلاب دیگر باشد را مصادره به مطلوب کنند.

گرچه هر کدام به شکلی در لباس هم جنبشی عکس یادگاری میگیرند اما از جریانات و احزاب قوم پرست تا پان ایرانیست ها و هواداران بازگرداندن سلطنت برای این جنبش عظیم اجتماعی دندان تیز کرده اند.

از همین امروز رسانه ها و میدیا های مختلف دارند عکس یکی دیگر را در ماه می اندازند، دارند مبارزات سراسری را به مبارزه این قوم و آن ملت تقلیل میدهند. اما یقینا صف متحد و سراسری شما، خواست و مطالبات رادیکال شما، این چنین توطئه های را نیز به خنثی خواهد کرد.

اما این تنها یک روی سکه است. روی دیگر این سکه انتظار و امید میلیون ها میلیون انسان رنج دیده و همسرنوشت در دنیا است که چشم و گوش خود را به اراده و آگاهی انقلابی شما دوخته است

بی گمان امروز، هر تحول و دستاوردی برای جنبش ما، نوید بخش هرچه محکمتر شدن اتحاد و همبستگی جهانی، عروج دوباره رهایی بشر از فقر و استثمار در فضای سیاسی اجتماعی منطقه و کل این کره خاکی خواهد بود.

شما تا به امروز که جامعه متمدن جهانی را همراه خود کرده اید ، نیز همچنان پیروز این نبرد نابرابر هستید.

عقب زدن هر چه قوی تر و محکم تر دستگاه های تعقیب و سرکوب در خیابانها، حفاظت از خود و دیگران، محافظت از مبارزه تان، بیرون کشیدن دستگیر شدگان و زندانیان از زندانها، لغو حجاب اجباری در مدارس، مراکز کار و خیابانها و انجاف از این دستاوردها، خود یک عمل انقلابی تا لحظه خلاصی از جمهوری اسلامی ست. تثبیت این دستاوردها بی تردید شرط پیشروی بیشتر و خلاصی کامل از بختک جمهوری اسلامی است،

این پیروزی بر شما، بر همگی مبارک باد.

۱۲ مهر ۱۴۰۱

## جمهوری اسلامی، برنده جنگ زودرس!

این روزها برنامه‌هایی از میدیای مجازی و برخی تلویزیون‌های فارسی زبان و نیروهای اپوزیسیون، در مورد ضرورت استفاده از اسلحه گرم علیه نیروهای سرکوبگر رژیم پخش می‌شود. آژیتاسیون‌هایی که مردم را به جنگ مسلحانه با حاکمیت دعوت می‌کنند.

شکی نیست که مردم به پاخاسته و زخمی که چهل و چند سال است زیر یکی از سیاه‌ترین و ضد انسانی‌ترین حاکمیت‌ها زندگی و مبارزه می‌کنند، مردمی که برای کمترین آزادی باید بیشترین بها، و حتی زندگی خود را، بدهند، حق دارند از هر وسیله و سلاحی برای دفاع از خود و شکست دشمن استفاده کنند. اما فرستادن جوانان بدون آمادگی، بدون سازمان لازم، بدون قدرت به پیروزی رساندن این جدال، به جنگی زودرس با رژیمی تا دندان مسلح، اگر تلاشی برای به شکست کشاندن آن نباشد، بی‌تردید سیاستی غیرمسئولانه و دوستی خاله خرسه است. برنده این جنگ زودرس قبل از هر کس جمهوری اسلامی است.

جنبش ما در شرایط امروز به هر چه توده‌ای و میلیونی‌تر شدن، به اتحاد سازمان‌یافته و سازمان‌یافتگی در کمیته‌های انقلابی، در شوراهای محل کار و زندگی و محلات شهرها نیاز دارد. این تضمین پیروزی در هر جنگی است. نمی‌توان لشکری را بدون نیروی کامل و قدرت و سازمان پیروز شدن به جنگ فرستاد. اعلام سوت دست‌بردن به اسلحه، قبل از تدارک پیروزی آن، بردن مردم در جنگی است که شکست آن از امروز معلوم است. پشت این "رادیکالیسم" ظاهری و تشویق به جنگ نظامی برای پیروزی، باز کردن امکان به‌خون کشیدن آن توسط ارتجاع حاکم و هر نیروی ارتجاعی است. سوریه و لیبی آخرین نمونه‌های این سیاست و این "رادیکالیسم" و "عطش" به پیروزی "سریع" و "کم‌هزینه" است.

فرمان و تبلیغ دست‌بردن به ابزارهای جنگ نظامی و شبه نظامی، قبل از تدارک و آمادگی به پیروزی رساندن آن ماجراجویی بیش نیست و به یکی از موانع به میدان آمدن توده‌های هر چه بیشتر و میلیونی در شهرها تبدیل می‌شود، دست رژیم را برای کشتار و سرکوب وحشیانه‌تر و دست قدرت‌های جهانی را برای خون پاشیدن به انقلاب مردم، به نام "داخلت بشردوستانه" و "حمایت از مردم ایران" باز می‌کند!

شکی نیست که این رژیم تا دندان مسلح، نهایتاً در یک قیام مسلحانه سرنگون می‌شود. اما بگذارید خیابان‌ها و محله‌های کار و زندگی کارگران و زحمتکشان و زنان و جوانان مملو از ده‌ها و صدها هزار و میلیون‌ها مردم شود. بگذارید مردم در محلات، دانشگاه‌ها، کارخانه و ... متحد شوند، بگذارید شوراهای خود را

برای هدایت جنگ امروز و اعمال اراده فردای خود ایجاد کنند. اگر سودای کسب قدرت روی شانه قربانی کردن مردم را ندارید، اگر نمی‌خواهید انقلاب آتی مانند سال ۵۷ توسط ضد-انقلاب به شکست کشیده شود، بگذارید این جنبش برای قیام با تمام قدرت آماده شود.

**با سرنوشت جامعه، با این انقلاب، با زندگی نسل جوان تشنه آزادی بازی نکنید.**

**مردم آزادی‌خواه!**

**حزب حکمتیست (خط رسمی) شما را به تشکیل شوراهای مردمی فرا می‌خواند.**

ضامن پیروزی شما قدرت متحد شما در محله و شهر و کارخانه، در شوراهای مردمی شماست. شوراهایی که هدایت و رهبری جدال امروز را به عهده دارند و اجازه ماجراجویی به هیچ نیروی ارتجاعی را نمی‌دهند. دست به‌کار ساختن شوراهای مردمی خود برای هدایت، برای دفاع از خود، برای به پیروزی رساندن انقلاب و برای بدست گرفتن سرنوشت خود شوید!

**حزب حکمتیست (خط رسمی)**

**۱۱ مهر ۱۴۰۱ - ۳ اکتبر ۲۰۲۲**

## مرگ ژینا، تراژدی قتل‌ی که دنیا را لرزاند

سه‌نهد حسینی

ژینا را کشتند که اخلاقیات و فرهنگ اسلامی شان را حفظ کنند. قتل‌ی که دنیا را به لرزه در آورد و در همان ابتدا با اعتراضات وسیع اجتماعی پاسخ گرفت. زن و مرد و پیر و جوان طوفانی از نفرت و انزجار در تقابل با جلادان و نظام خون و جنایت به راه انداختند. در تهران در مقابل بیمارستان کسری و میدان آرژانتین نطفه تعرض و اعتراض بسته شد. در مراسم خاکسپاری مهسا در شهر هزاران نفر شرکت کرده و این مراسم را به میدان مبارزه و اعتراض علیه جانین تبدیل کردند. راهپیمایی کردن و خیابانهای جلو فرمانداری رو به تسخیر در آوردند. در پی شلیک نیروهای سرکوب ده ها نفر زخمی و تعداد زیادی دستگیر شدند. در سنج و مهاباد و تهران عملاً خیابانها به میدان جنگ و گریز تبدیل شده است. اعتراضات ابعاد وسیعی به قامت کل جامعه پیدا کرده و کمتر شهر کوچک و بزرگی نیست که به میدان عرض اندام مردم معترض تبدیل نشده باشد. دانشگاه تهران و دانشگاه هنر تا همین لحظه به میدان اعتراض تبدیل شده است. تشکلهای مختلف صنفی معلمان و سندیکای شرکت واحد و هفت تپه اعتراض کرده و بیانیه داده اند. ابعاد تراژدی مرگ ژینا جرقه ای بود که به سرعت فضای سیاسی و اعتراضی ایران را حول مطالبات فوری لغو مناسبات و قوانین ضد زن و لغو آپارتاید جنسی حاکم، حول خود قطبی کرد. زنان و مردان معترض از تهران تا سقز و

## مردم آزادی‌خواه ایران!

**امنیت و آزادی و حرمت جامعه در دستان شماست.**

**«گشت ارشاد» و عوامل آن را از محلات کار و زیست خود جارو کنید!**

سندج و از اصفهان و مشهد و تبریز تا بوکان و... و تا نهادها و کانون های صنفی معلمان، سندیکای شرکت واحد، هفت تپه و صفوف دانشجویان در دانشگاه تهران و هنر همه و همه متحدانه بر علیه قوانین ضد زن به میدان آمدند، تجمع کردند و شعار دادند و خواستار برچیدن گشتهای ارشاد، گشتهای امر به معروف و نهادهای سرکوبگر شدند. مردم در جماعتشان خواستار برابری زن و مرد و لغو فوری آپارتاید جنسی و کلیه قوانین ضد زن و نهادهای متکی بر آن شدند. تا این لحظه قدرت تعرض سراسری مردم چنان وسیع بوده که عملا و دوفالکتو قوانین ضد زن و به ویژه حجاب که نماد تحجر و تعرض به زنان، عملا لغو و زیر پای قدرت اتحاد زنان و مردان له شده است.

شوک این پدیده که منشاء یک تعرض و اعتراض میلیونی شد، جامعه ایران را در واقع وارد فاز جدیدی کرده و امروز دیگر مسئله زن به مسئله حاد و پدیده ایی برای کل جامعه تبدیل شده. خواست لغو نابرابری زن و مرد و لغو ستمکشی بر زن از آوار تعرض نقشه مند بورژوازی و حاکمیت کاپیتالیستی آن یعنی جمهوری اسلامی کمر راست کرده است. تا همین لحظه جامعه قدمهای اساسی و پیشرویهایی عظیمی را برداشته. مسئله حجاب و قوانین ضد زن عملا و دوفالکتو از طرف مردم و جامعه برابری طلب لغو شده است. قدرت زنان به عنوان یک نیروی اجتماعی و انقلابی نه فقط در ایران بلکه در سراسر دنیا رسمیت یافته است. این قدرت و این عظمت اعتراضی تا همین لحظه حاکمیت را دچار استیصال عمیقی کرده و در همانحال اعتماد به نفس و اراده جمعی را برای تعبیرات بنیادین به جامعه دیکته کرده است.

قتل مهسا امینی قلب کل جامعه را به درد آورد اما نه تنها جامعه ایران و به ویژه جنبش آزادیخواهان و برابری طلبانه زنان را مرعوب و ادار به عقب نشینی نکرد، بلکه آتش خشم مردم علیه جمهوری اسلامی و قوانین ضد زنش را شعله ورتر کرد و این جنبش قوی و متلاطم را در جنبشهای کارگری، معلمان و جنبش رهایی از قید و بندگی رادر هم تنیده تر کرد و آنرا با دریای اعتصابات کارگری، شورشها و اعتراضات اجتماعی شهری پیوند داده و متحدتر کرد.

مردم در خیابانها و محل های کار و زندگی، مستقیما مسبب این تراژدی، یعنی نظام و سران آن را مورد حمله اعتراضی قرار دادند و جامعه را با فریاد های خشم خود و نفرت خود از قوانین ضد زن و ضد بشری تکان دادند. میلیون ها نفر در سراسر ایران و در خارج از کشور در اندوه خانواده ژینا شریک شدند و با آنها اشک ریختند و فریاد دیگر بس است و تحمل نمی کنیم شان، پایه های حکومت را لرزانند. امروز شهرهای بیشتری شهر و خیابان را به میدان اعتراض و نفرت خود تبدیل کرده اند. جمهوری اسلامی با گشت ارشاد و نیروهای سرکوبش باید تاوان و نقاص تعرض و زن سنجی اش را بدهد. بی گمان گام و فاز بعدی از پیشروی تثبیت پیشرویها و تعرض و اعتراضات هدفمند که پشتش به تشکیلاتهای توده ایی و شوراهای محل کار و زندگی گرم است، خواهد بود.

### مردم مبارز و آزادیخواه کردستان!

امروز سراسر ایران ژینا را فرزند جغرافیای خود، پاره تن و از آن خود می دانند!

چشم ها به شما است که در حمایت از خانواده ژینا، و امروز دیگر دهها و صدها خانواده ژینا ها و حدیثها و... در اعتراضات و مبارزات خود و در کنار هم، نظام ضدبشری موجود و حکومت ضدزن را لگام بزنید!

شما تجربه در دست گرفتن کنترل محل زندگی خود و اعمال قدرت برای بیرون کردن عاملین و وحوش خطرناک و نا امن کردن جامعه، یعنی گشت های ارشاد و بسیج و سپاه و... را دارید.

شما تجربه افسار زدن به نیروهای ضد زن و وحشی سلفی و اسلامی را دارید و قطعا به این نیروهای ضد زن اجازه نخواهید داد به اسم سنی و شیعه و یا کرد و فارس به مبارزات زنان و مردان برابری طلب خدشه ایی وارد کنند. دم و دستگاه این وحوش را بی گمان همراه با کل حاکمیت جمع خواهید کرد و به زباله دان خواهید انداخت. تا همین لحظه با تسخیر خیابانها در سندج، سفز و مهاباد و مریوان و اشنویه و... فضای نفرت و خشم عمیق عمومی حاکی از قدرت و تقابل شدید شما در مقابل نظام زن ستیز و ضد انسان است. باید با قدرت، باید متحدانه زن و مرد کل بساط حکومت جهل و کشتار، با گشت ارشاد و کلیت ماشین سرکوبش را در هم شکست و محلات و شهرها را با اعمال اراده خود به کنترل در آورد.

جنبش چپ، رادیکالسم و کمونیسم در کردستان تجربه دست بردن به قدرت خود را دارد. امروز از خوزستان تا تهران و کردستان و... قدرت مردمی، قدرت جنبش زنان، قدرت جنبش کارگری و چپ و سوسیالیستی بسیار غنی تر، ابدی تر، قدرتمند تر، از آن است که این اوباش چه در حاکمیت و چه به عنوان دسته های اوباش و وحوش مذهبی، بتوانند به بهانه حجاب و کنترل زنان، نیمی از جامعه را، زنان را مورد تعرض قرار دهند.

مرگ تراژیک و دردناک ژینا سوت یک تعرض عظیم اجتماعی و متحدانه زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب را در سراسر ایران به صدا در آورده است. باید در کردستان در متن یک جنبش سراسری و در هم تنیده سوت اعمال قدرت خود برای از کار انداختن ماشین جرم و جنایت شان را هم به طور کامل به صدا در آورد. این کار با تجربه غنی و عملی و با وجود یک کمونیسم اجتماعی و قوی در کردستان ممکن و ضروری است.

سیر تحولات و اعمال اراده جمعی و تعرض همه جانبه و سراسری مردم امروز سنگرهای اساسی را فتح کرده و پیشروی و گامهای بزرگ در مقابل نظام ضد زن و ضد انسانی جمهوری اسلامی به جلو برداشته است. این اراده جمعی، این اتحاد و این پیشرویهایی مهم که تا همین لحظه به لغو دوفالکتوی قوانین شریعه و ضد زن شده را باید تثبیت کرد. باید برای ادامه پیشروی و اعتراض برنامه داشت و سازمان پیدا کرد. ابزار سازمانیابی و اراده جمعی، ابزار دخالت مستقیم آحاد مردم و ابزار

نقشه مند کردن تعرضهای آتی و تثبیت پیشرویها و پیرویهایی بی گمان شوراهای مردمی در محل کار و زندگی، در مدرسه و دانشگاه، در محله و شهر و روستا و... است. کردستان با تاریخ و تجربه اش و با وجود یک کمونیسم اجتماعی قوی می تواند در راس چنین حرکتی باشد. تحولات امروز رگه چنین حرکتی را در خود دارد.

زنده باد مبارزه و اعتراض متحدانه مردم در سراسر ایران

زنده باد رهایی و برابری زنان در تمام شئون زندگی

۲۹ سپتامبر ۲۰۲۲

## پیام شماره ۱: سربازان، درجه داران و افسران جزء!

خیزش توده ای برای آزادی و برابری و رهایی زنان وارد سومین هفته خود شده است. مزدوران نیروی انتظامی، بسیج، سپاه و لباس شخصی های اطلاعاتی، با تمام قوا با سلاح گرم و گلوله جنگی مستقیما قلب خواهران و برادران شما و مردم به پاخاسته را هدف قرار می دهند، می کشند، زخمی می کنند و هزاران نفر را در بازداشتگاهها مورد شکنجه و آزار قرار می دهند. دیروز در زاهدان همسرنوشتان مان را قتل عام کردند و امروز دانشجویان دانشگاهها را محاصره و سرکوب می کنند.

وقت آن رسیده است پادگانها و ارتش را ترک کنید و به مردم، به خانواده های خود بپیوندید. ترک پادگانها، رژیم جنایتکار و مزدورانش را هر چه بیشتر ضعیف، زبون و سراسیمه می کند!

مردم زخم خورده اما معترض و مصمم، بیش از این تحمل نمی کنند. ترک و خالی کردن پادگانها، پیروزی ما را آسان تر می کند!

درنگ نکنید! پادگانها را ترک کنید!

حزب حکمتیست (خطر رسمی)

۱۱ مهر ۱۴۰۱ - ۳ اکتبر ۲۰۲۲

## آتشفشان اعتراضات ...

### جمیل نظرگاهی

نزدیک به سه هفته است که سراسر ایران تبدیل به یک آتشفشان عظیمی شده است، خروش و غلیان آتشفشان اعتراضات اجتماعی انسانهای آزادیخواه و برابری طلب است که ۴۳ دیکتاتوری جمهوری اسلامی به عناوین مختلف سعی در سرکوب و خفه کردن صدای آنها را دارد. صدای زنان مبارزی است که به کمترین آزادی و برابری زن و مرد از لحاظ مدنی، حقوقی، سیاسی و اقتصادی و لغو قوانین مرد سالارانه و کهنه پرستانه و آپارتاید جنسی راضی نخواهند شد. فشار اعتراضات سراسری که امروز بصورت شعله های آتش و خشم زنان و جوانان و توده های مردم رنج دیده و آزادیخواه و برابری طلب، قله ها و قصرهای سرمایه داران و دولت اسلامیشان را بلرزه در آورده است، خشم و کینه طبقاتی است که ظرف ۴۳ سال حاکمیت ننگین جمهوری اسلامی، رویهم انباشته شده است.

استثمار شدید کارگران، بیکار سازی، حمله وسیع به سطح معیشت طبقه کارگر، از دیاد و رونق حاشیه نشینی برای ذخیره نیروی کار با ارزانترین دستمزد. ستم بر زنان و تقسیم جنسی انسانها به زن و مرد در قلمرو تولید بعنوان یک عامل اقتصادی و سیاسی در تضمین سود آوری و انباشت سرمایه تا از این طریق بتواند بین انسانهای کارگر و مزد بگیر تفرقه، شکاف، رقابت و کشمکش ایجاد کند و با تضمین بخشهای محروم تر، بمتابه ارتش ملیونی ذخیره بیکاران در جامعه، به زندگی و معیشت کل طبقه کارگر حمله کنند و آن را در سطح بسیار نازلی نگه دارد. مزید بر اینها تحمیل حجاب، بعنوان یک سمبل حقارت و بردگی، سمبل فروستی زن. تحمیل عقیده ای که باید زن بپذیرد که یک سوژه جنسی است، یک سوژه تحقیر و محرومیت است. باز گذاشتن دست قوه اجرائی و قانون ارتجاعی و پوسیده اسلامی و مرد سالارانه و بربریتی که مرد را مالک زن حساب می کند تا از این طریق دست خشونت بر سر آنها باز باشد. ۴۳ سال است که این قوانین کثیف اسلامی و مرد سالارانه احساس شادی، رقص و پایکوبی و خوشی و آزادی و انسانیت را از نیمی از جمعیت این جامعه گرفته است.

جنبش کمونیستی کارگری، جنبش اجتماعی زنان، انسانهای آزادیخواه و برابری طلب، جوانان و مردم رنج دیده و مبارز و انقلابی امروزه به قامت کل ایران ابمیدان آمده و خیابانها را تسخیر کرده اند. امروز ارتجاع اسلامی سرمایه بر خود می لرزد که آگاهی سیاسی انسانهای فعال اجتماعی کوهی از آتشفشان اعتراضی انسانها را به حرکت در آورده است. می رود تا این لاشه متعفن و پوسیده را به زباله دان تاریخ بسپارد

جنبش وسیع اعتراضی به مثابه یک آتشفشان خروشان و خشمگین، در کوتاهترین زمان جامعه ایران را با وسعت بیش از ۱۲۴ شهر بزرگ و کوچک و ده ها دانشگاه و غیره در بر گرفته. ملیونها انسان معترض به این اعتراض وسیع علیه بربریت سرمایه داری

اسلامی، علیه فقر و فلاکت، علیه بی حقوقی، علیه بیکاری و عدم آزادی و علیه قوانین سرکوب و آپارتاید جنسی و تبعیض و علیه حجاب و سرکوب عریان، پیوستند. خیابانها نمادی دیگر پیدا کرد و به میدانی برای اعتراضات اجتماعی تبدیل شدند. جنبش برابری زن و مرد در قامت خودش برای تغییر بنیادی قوانین کهنه و پوسیده اسلامی و مرد سالارانه بمیدان آمد و تمام حق خودش را می خواست و می خواهد. این اعتراضات وسیعترین اعتراضات در طول حاکمیت ۴۳ ساله جمهوری اسلامی سرمایه با شرکت توده وسیعی از زنان آزادیخواه و برابری طلب بوده است. در این اعتراضات زنان مبارز و آزادیخواه مهر خودشان را بر سیمای سیاسی جامعه کوبیدند.

این اعتراضات اجتماعی جامعه را بیشتر قطبی کرد، جریانهای ناسیونالیستی کرد از احزاب دموکرات و کومله و جریانهای مرکز همکاری احزاب کرد گرفته تا رضا پهلوی با اعلام اعتصاب و عزای عمومی قصد داشتند که جلو این اعتراضات اجتماعی و خیابانی را بگیرند و مردم را به خانه هایشان بفرستند. اما توده های معترض اجتماعی نشان دادند که راه چاره خلاصی از بختک جمهوری اسلامی، خیابان، میدان مبارزه اجتماعی خواهد بود. ناسیونالیسم از این تاکتیک راضی نشده بلکه خواستند مهر زبانی و قومی و محلی را به اعتراضات و محرک و بانی این اعتراضات یعنی قتل مهسی امینی، بکوبند. اما بمیدان آمدن میلیونها انسان آزادیخواه و برابری طلب در سراسر ایران خط بطلانی بر این تفکرات ناسیونالیستی و قومی آنها کوبید، مزید بر این اعتراضات سراسری مصاحبه پدر مهسی امینی این تعلقات زبانی و محلی را بکلی رد کرد و غیر واقعی خواند و آب سردی را روی نقطه عزیمت های ناسیونالیستها ریخت.

اعتراضات اجتماعی این دوره بطور واقعی، با شرکت فعال وسیع زنان آزادیخواه و برابری طلب، کل سیمای سیاسی جامعه را بدرجه ای عوض کرده و مهر خودش را بر روند سیاسی جامعه کوبید. پایین اعتراضات وسیعترین، اعتراضات اجتماعی در طول حاکمیت ۴۳ ساله جمهوری اسلامی بوده است که در ادامه اعتراضات دی ماه ۸۶ و آبان ماه ۹۸ بوده، اما وسیعتر، در ابعاد ملیونی، منسجم تر، معترض تر، سازما نیافته تر، با شعارهای رادیکالتری که سیستم سیاسی و سرنگونی جمهوری اسلامی را نشانه گرفته است. بطور واقعی و مادی زمینه های اعتراضات جاری توسط اعتصابات کارگری هفت تپه و فولاد و پتروشیمی و نفت و غیره هموار شده و زمینه این پیشروی را بطور واقعی فراهم کرده است. به یقین می توان گفت که زمینه این جنبش اعتراضی بر شانه های طبقه کارگر و تعرضش به سرمایه و حاکمیت قرار دارد.

این جنبش اعتراضی، با شعارها و نقطه عزیمت هایش نشان داده است که هیچ توهمی به جمهوری اسلامی ندارد و وارد فاز جدیدی

برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی شده است. شرط موفقیت این جنبش در پیوند با مبارزات عملی و اعتراضات و اعتصابات کارگران دارد. نبض ماشین سرکوب چه از نظر جابجایی، چه از نظر اقتصادی و غیره در دست طبقه کارگر قرار دارد با قطع امکانات حمل و نقل و خواباندن چرخ اقتصادی جامعه، تمام توان را می شود از جمهوری اسلامی گرفت و آن را سرنگون انقلابی کرد. در واقع بحث بر سر این است که طبقه کارگر، معضل زنان را معضل و مساله خود و رهائی زنان را امر خود می داند، بخاطر اینکه طبقه کارگر آگاه می تواند نقطه پایانی بر نابرابری سیاسی و اقتصادی زن، بر آپارتاید جنسی، خشونت به زن و قوانین زن ستیز و فرهنگ طبقه حاکمه بگذارد.

۷ مهر ۱۴۰۱

## آزادی و برابری

جامعه باید آزادی انسان را تضمین

کند، آزادی به معنی آزادی از

سرکوب و اختناق سیاسی، آزادی

از اجبار و انقیاد اقتصادی، آزادی از

اسارت فکری، آزادی در تجربه

ابعاد مختلف زندگی انسانی،

آزادی در شکوفائی خلاقیت های

بشری و آزادی در تجربه ابعاد

عظیم عواطف انسانی.

جامعه باید تضمین کننده برابری

انسانها باشد، برابری نه فقط به

معنی برابری در مقابل قانون بلکه

برابری در برخورداری از امکانات

و نعمات مادی و معنوی جامعه،

برابری در حرمت و ارزش همه

انسانها در پیشگاه جامعه.

از مقدمه بیانیه حقوق جهانشمول

انسان - مصوب حزب حکمتیست

## مصاحبه محمد راستی با رادیو

### پیشه نگ ...

رادیوپیشه نگ:

بعد از قتل عمد ژینا امینی بدست آدمکشان جمهوری اسلامی ایران در ۱۶ سپتامبر در بیشتر شهرهای ایران تظاهرات هایی انجام گرفت، ما امروز مهمان محمد راستی از رهبری حزب حکمتیست خط رسمی مصاحبه ای داریم.

قبل از طرح سئوالات خود از رفیق محمد راستی، دوباره تسلیم خود را به خانواده ژینا امینی و تمامی خانواده هایی که عزیزانشان بدست رژیم جنایتکار اسلامی جانشان را دست داده اند از اینجا به احترام تمامی آنها سر تعظیم خم میکنیم.

رفیق محمد امیدوارم تندرست و سلامت باشید با کمال معذرت در روزی اینچنین و خیر ناگوار که چندین نفر بدست جمهوری اسلامی قربانی شده اند با شما مصاحبه میکنیم، امیدوارم این اعتراضات در ادامه خودش باعث سرنگونی جمهوری اسلامی کهنه پرست شود.

رفیق عزیز به شما خوش آمد میگویی و تندرست باشی

محمد راستی:

من هم خدمت شما و شنوندگان رادیو پیشه نگ، سلام و تشکر میکنم که این فرصت را به ما داده اید که از اینجا بتوانیم صدای خود را به عزیزان برسانیم.

من هم مثل شما از ته قلب تسلیم و همدردی خود را نثار پدر و مادر و تمام خانواده ژینا امینی میکنم، همچنین از مردم عزیز سقز.

رادیوپیشه نگ: دستت درد نکنه رفیق، در ۱۶

سپتامبر رژیم جنایتکار اسلامی دختری جوان ۲۲ ساله به اسم ژینا امینی را به قتل رساندند، تنها به این دلیل یک تارموی سرش مقداری پیدا بود، این دختر از شهر سقز به تهران سفر کرد بود و در آنجا غریب بود، اما آنها به شکل غیر انسانی او را دستگیر و به شدت شکنجه میکنند و در نهایت در ۱۶ سپتامبر در بیمارستان جانش را از دست میدهد، نظر شما در اینباره چیست، بطور مختصر برای شنوندگان شرح دهید که چگونه دستگیر شده و اینها چه کسی هستند که مردم را دستگیر میکنند و به چه حقی مردم را در خیابان ها دستگیر میکنند و آیا آن افراد که این جنایت را مرتکب شده اند از طرف رژیم اسلامی دستگیر شده اند یا همچنان آزاد هستند و جولان میدهند.

محمد راستی:

همچنان که خود شما اشاره کردید، این خانواده برای سفر به شمال میروند و در راه بازگشت به تهران، با برادرش به مترو میروند، به محض اینکه از قطار پیاده می شوند با گشت ارشاد روبرو می شوند، که سازمانی ست برای فشار و اذیت و آزار زنان و در تمام این سالها اهرم فشاری بوده برای سرکوب زنان.

او را دستگیر میکنند و به شیوه ای خیلی غیر انسانی او را به داخل ماشین گشت ارشاد منتقل و تا رسیدن به پایگاه گشت در داخل ماشین او به شدت کتک میزنند در آن مکان هم که مرکز ارشاد هست، گویا سرهنگی او کتک میزند و مهسا با داد و فریاد اعتراض میکند، دوباره آن سرهنگ با لگد به جان مهسا می افتد و چندین ضربه به سر ایشان وارد میکند و بلافاصله دچار خونریزی از ناحیه گوش میشود و هنگام تحویل دادن مهسا به آن مرکز رمقی در جان نداشته و در حالت بیهوشی او را تحویل میدهند، بعدا که او را به بیمارستان منتقل میکنند به استناد گزارش دکترها فقط سه درصد هوشیاری داشته ، جمهوری اسلامی با تمام توان میخواهد این عمل جنایتکارانه را لاپوشانی کند، بلافاصله با خانواده مهسا تماس میگیرند و میگویند خودمان با هواپیما جنازه را به تبریز منتقل میکنیم، شما حق ندارید مراسم خاک سپاری بگیرید و اطلاع رسانی عمومی کنید، خانواده مهسا را تحت فشار قرار میدهند، اما خانواده مهسا وقتی به سقز برمیگردند اطلاع رسانی عمومی میکنند که ما ساعت ۱۰ مراسم داریم و ماجرای قتل مهسا را به اطلاع همگانی میرسانند، مردم به استقبال جنازه تا نزدیکی بوکان میروند و مردم بوکان به مردم سقز میپیوندند، مردم از شهرهای دیگر خودشان را به سقز میفرستند و در نهایت در میان غم و اندوه بسیار و استقبال بسیار زیاد ژینای عزیز را به خاک میسپارند.

اما جمعیت پر شمار در مراسم شروع به شعار دادن علیه جمهوری اسلامی و گشت ارشاد میکنند که در طول عمر ۴۴ ساله جمهوری اسلامی فقط کارش جنایت و آدمکشی مخصوصا و مخصوصا زنان بوده . این ماجرای این قتل عمد دولتی بود.

در ادامه برنامه آماده پرسش های شما هستم.

رادیو پیشه نگ (مسته فا باهر):

دستت درد نکنه رفیق عزیز، اما سئوالی که دارم بعد از آن خاکسپاری با شکوه، در شهر های دیگر تظاهرات و اعتراضات رخ داده، آیا این اعتراضات فقط در شهرهای کردستان هست یا در نقاط دیگر ایران هم در جریان هست، از دانشگاه ها چه خبر؟

محمد راستی:

امروز چهارمین روز از قتل عمد رخ داده شده میگردد، این حادثه دلخراش باعث همدلی و اتحاد بین مردم کردستان و سایر نقاط ایران شده، بعد از آن اعتراض عظیم که در سقز انجام گرفت که در آن اکثریت زنان حاضر روسری ها را برداشتند و دور انداختن و بعضا آتش زدند، بلافاصله مردم شهر سقز به میدان آمدند و با شعار علیه جمهوری اسلامی و تمام دستگاه های سرکوبگر مخصوصا گشت ارشاد تظاهرات عظیمی راه انداختند، غیر از شهر سنندج در دیواندره، بیجار، قروه و دهگلان و کامیاران و اکثر شهرهای کردستان، بانه، بوکان تظاهرات های بزرگ و خروشان راه افتاد برای برچیدن این قانون ضد انسانی که جمهوری اسلامی برای سرکوب زنان از آن استفاده میکند.

خوشبختانه این مسئله فقط محدود به کردستان نماند به دیگر نقاط ایران سرایت کرد، چونکه کل مردم ایران از این رژیم دل خونی دارند، از قوانین ضد زن و ضد بشری جمهوری اسلامی، مردم در شهر های دیگر به میدان آمدند، در تهران، شیراز حتی در شیراز عکس ژینا در اندازه های بزرگ چاپ کرده بودند و در اکثر نقاط شهر آویزان کرده بودند. دانشگاه های ایران هم دست به عمل زدند و به میدان آمدند، حتی امروز که چهارمین روز است تظاهرات ها ادامه دارد و شعار میدهند، خامنه ایی آدم کش هستی و خواهان سرنگونی کل رژیم شدند و با حمله به ماشین های گشت ارشاد در تهران و آتش زدن آنها نفرت خود را ابزار و نشان دادند، و میخواهند کل رژیم سرنگون شود و حداقل، حداقل این گشت ارشاد و فشارها بر علیه زنان برچیده شود، مبارزه ایی که از سال ۹۶ تا حالا شروع شده، امروز در سرتاسر ایران و کردستان، در این تظاهراتها حجاب راه برداشته اند و سوزانده اند، حجابی که نشانگر کل نظام جمهوری اسلامی است.

رادیو پیشه نگ:

ابراهیم رئیسی، رئیس جمهوری اسلامی ایران اقدام به تماس تلفنی با پدر ژینا امینی کرده، به نظر شما هدف او از این اقدام چیست، همانطور که خودتان میدانید این اولین جنایت این رژیم نیست، مخصوصا در رابطه با زنان، تا حالا هیچ وقت رئیس جمهور یاد هر مقام دیگر رژیم این کار رو نکرده، به چه دلیلی اقدام به تماس تلفنی کرده، آیا به دلیل تحت فشار بودن از طرف جامعه هست و آنرا بعنوان خطری بزرگ امیبینند

محمد راستی:

دقیقا، دقیقا، همین طور هست. این مسئله و اعتراضات را خطری بزرگ میدانند و خیلی خوب هم تشخیص داده اند، ولی کور خوانده اند، میخواهند بدین شکل کلاه سر مردم بگذارند و مثل همیشه به دروغ ادعای دستگیری و مجازات عاملین این قتل را میکنند، بدین شکل فقط قصد فریب دادن مردم را دارند.

این نشانه عقب نشینی واضح رژیم هست در مقابل تعرض جانانه مردم ایران و کردستان مخصوصا زنان آزاده، عقب نشینی ایی که به رژیم تحمیل شده

این را هم یاد آوری کنم فقط تنها رئیسی نیست که عقب نشینی کرده، محسن ارژنه ای رئیس دستگاه قضایی ایران که خودش یکی از جنایتکار ترین افراد این رژیم هست هم ادعا کرده که مسئولین این قتل را مجازات خواهیم کرد، حتی گفته اند رئیس پلیس تهران را خلع مسئولیت خواهیم کرد.

عقب نشینی واضح به جمهوری اسلامی تحمیل شده است، با این اعتراضات و تظاهرات ها، اما مردم هم بخوبی میدانند تنها و تنها ادامه این اعتراضات و تظاهرات و گسترش آن، مثل حالا که در تهران، اهواز و شوش حتی در دهات کردستان شروع شده علیه حجاب اجباری و گشت ارشاد، میتواند رژیم را وادار به عقب نشینی کند، این اعتراضات بایستی در تمام دهات ایران هم در بر بگیرد و باعث قدرتی

**رادیو پیشه نگ:**

رفیق صحبت از رییس پلیس تهران کردی، او گفته مشکل حجاب نبوده بلکه نوع پوشش شلوار او مشکل داشته، آیا اگر کسی نوع شلوارش فرق داشته باشد باید کشته شود.

**محمد راستی:**

مردم ایران بدین دلیل هست که بسیار خشمگین هستند، مردم ایران بهانه ای مثل قتل مهسا را احتیاج داشتند که به میدان بیایند برای اعتراض به تمامی محدودیت های پوششی، مثل بیرون زدن مو، مانتوی چسبان و یا هر چیز مسخره ی دیگری در تضاد با یک زندگی ساده و عادی، در شرایطی که مردم با فقر و فلاکت و بیکاری، کمبود دارو، گرسنگی و هر چیز ساده و ابتدایی برای زندگی دست و پنجه نرم میکنند و گرفتار اند.

کسی هم نیست به این مسائل جواب بده، وقتی که اعتراض هم میکنند میگن موی سرش بیرونه، شلوارش تنگه و هزار و یک بهانه دیگر و حرف های مفت، اما این دفعه این حرف های مفت هیچ ارزشی ندارد، همین امروز در اکثر شهرهای کردستان و ایران حجاب را دور انداخته اند، در رشت، گیلان و..... اگر امروز صبحت برداشتن حجاب را بکنم تمام وقت برنامه را خواهد گرفت، از شمال تا جنوب از شرق تازه غرب، کل ایران به میدان آمده اند، همین امروز که چهارمین روز است، این بار اینطور به نظر نمیرسد که مردم عقب نشینی کنند(مسته فا باهر: مسئله مهم این است که تمامی شهرهای ایران و دانشگاه ها برای اعتراض به میدان آمده اند امیدوارم این باعث سرنگونی این رژیم درنده و ضد بشری جمهوری اسلامی بشود و این آخرین نفس این رژیم باشد)

**رادیو پیشه نگ:**

رفیق، آخرین سوال، شما بعنوان حزب حکمتیست خطر رسمی، نظر شما چیست و چه اقدام های در نظر دارید انجام بدهید در داخل ایران و خارج کشور و تا حالا چکار کرده اید

**محمد راستی:**

ما بعنوان حزب حکمتیست خطر رسمی، همراه مردم چه در داخل و چه خارج و آنجا هایی که حضور داریم، مبارزه کرده ایم، به میدان رفته ایم و در همین شهری که من ساکن هستم ما و جریانات دیگر قراره تظاهراتی اعتراضی برگزار کنیم، همین امروز در برلین انجام دادیم، دیروز در گوتنبرگ سوئد، روز قبلیش در لندن، یعنی هر کجا حضور داشته باشیم حتی با تعداد کم اعتراض و تظاهرات راه میندازیم، و از این راه دور دست مردم مبارز به تنگ آمده از دست جمهوری اسلامی را به گرمی میفشاریم و از هر لحاظ پشتیبانشان و مشوق شان هستیم، امیدواریم همچنان در صحنه حضور داشته باشند تا درب گشت ارشاد را به گل بگیرند و تمامی دم و دستگاه دیگری برای

اذیت و آزار زنان وجود دارد، این امر تنها و تنها با پشتیبانی، اتحاد و با قدرت تمام در صحنه مبارزه محقق میشود. قتل حکومتی مهسا محمل این اتحاد شد، حالا که این مسئله گسترش پیدا کرده احتیاج داره به همکاری، هم صدا شدن.

تعدادی از احزاب و سازمان ها در حالی که مردم خروشیده اند و در خیابان حضور دارند (دیواندره مردم به نیروهای جهل و جنایت حمله کرده اند) به مردم میگویند برگردی خونه و اعلام اعتصاب عمومی در سطح کردستان کرده اند. این دوستان دروغین مردم هستند، اگر کسی دوست مردم باشد مبارزه فعال در صحنه را تشویق میکند نه اینکه خواهان بازگشت به خونه باشند.

با ارتباط هایی که من با مردم سنندج و مریوان داشته ام، میگویند مردم میترسند، این درسته چونکه با رژیمی هار و جنایتکار سر و کار داریم، اما ما هم باید تمام تدارکات لازم را در مقابل این رژیم انجام دهیم، در همین چند روز گذشته مردم مخصوصا جوانان با خودشان آب حمل کردند برای مقابله با گاز اشک آور، ماسک، کبریت و یا حتی شاید بعضی اوقات چوب دستی هم برای دفاع لازم باشه.

تا آنجایی که میتوانیم خود را سازمان دهیم و با آمادگی کامل در اعتراضات شرکت کنیم، مردم درب منازل را باز گذاشته اند برای پناه دادن معترضین در صورت تعقیب نیروهای رژیم.

پرستارهای گرمای و آنهایی که در بیمارستان کار میکنند، لوازم پانسمان و کمک های اولیه را با خود داشته باشند و یا در مکان هایی جاسازی کنند برای مداوای زخمی شدگان (تا همین حالا چهار نفر جان باخته اند و بیشتر از صد نفر زخمی هستند) این زخمیها را تا حد امکان نباید به بیمارستان برد چونکه با خطر دستگیری مواجه هستند، مردم در خونه به آنها کمک های اولیه داده اند، این باید در سرتاسر ایران هم بدین شکل پیش برود و به سنتی تبدیل شود.

امیدوارم حداقل در ادامه مبارزات، گشت ارشاد منحل شود و ایران را از تمام قوانین صد زن پاک کنیم و در نهایت تا سرنگونی انقلابی کل رژیم پیش برویم.

در پایان دوباره به مردم ایران برای تمام رشادت ها و در صحنه ماندن برای ادامه اعتراضات تبریک و دستمیزاد میگویم.

به پیش برای برابری زن و مرد

به پیش برای آزادی، برابری در تمام ایران

**رادیو پیشه نگ (مسته فا باهر):**

دست شما درد نکنه، امیدوارم این پایان جمهوری اسلامی باشد و سرنگون شود و ما به زودی به ایران برگردیم

**محمد راستی:**

ممنون از شما که مرا دعوت کردید.

**دانشگاهها در محاصره نظامیان!**

**دوستان ورفقای دانشجو!**

در حالی که دانشگاهها نیمه تعطیل اند، رژیم و سپاهش از دانشجویان خواستند که در دانشگاه بمانند و سمینار و تجمع "مسالمت آمیز" برگزار کنند، همزمان در مقابل دانشجویان معترضی که در دانشگاه شعارهای خیابان را سر می دادند، بسیجی ها را بعنوان "دانشجو" به دانشگاهها کشاندند تا تعرض اوباش خود به دانشجویان رادیکال و انقلابی را بعنوان "درگیری" و "زد و خورد" میان دانشجویان اعلام کنند.

با شکست این سیاست و جواب قاطع دانشجویان به این تحریکات و توطئه، ناچار به وارد کردن نیروهای امنیتی و لباس شخصی های خود به دانشگاهها شدند. حمله وحشیانه و برنامه ریزی شده به دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت (دانشگاه شریف)، دستگیری و زخمی کردن تعداد زیادی از دانشجویان نقطه اوج این بورش بود. بورشی که شهر تهران را برای نجات فرزندان خود از چنگ جانان حاکم به لرزه درآورد.

حمله دیروز لباس شخصی ها به دانشگاههای اصفهان، تبریز و شریف، نتیجه سیاست سپاه در محدود کردن، قابل سرکوب کردن و منزوی کردن اعتراض دانشجویان از اعتراضات توده ای است که بیش از دو هفته است خواب را بر حاکمان سپاه کرده است. "درخواست" سپاه که در دانشگاه بمانید و از "کرسی" دانشگاه "بحث" و اعتراض کنید، دامی است که می تواند تجمعات دانشجویان را محاصره و سرکوب کند. محاصره دانشگاه شریف و ضرب و جرح دانشجویان و بازداشت گسترده، یک نمونه این ترغیب رژیم است. نباید در این دام افتاد.

امروز قدرت دانشجویان در میان مردم و توده ای کردن خیزش و جنبش انقلابی جاری است. نیروهای سرکوب از تعرض به صف متحد و قدرتمند شما در بیرون دانشگاه، در میان مردمی که درد مشترک شما را فریاد می زنند، عاجز است.

مسبب خشونت حکومتی است که جواب هر صدای اعتراضی را با گلوله و اعدام می دهد. باید این دستگاه خشونت سازمان یافته را با قدرت متحد خود خلع سلاح کنیم. باید این ماشین سرکوب را با هر چه توده ای کردن تجمعات، ممکن کردن قدرت دفاع از خود و انتخاب تاکتیک های درست، ناکام کرد! امنیت شما در میان مردمی است که برای آزادی، برابری، رفاه و رهایی زن به میدان آمده اند! اجازه ندهید شما را منزوی و محاصره کنند!

دانشجویان دانشگاههای مختلف تهران و شهرستانها می توانند در هماهنگی با همدیگر و در میان مردم، صف به هم پیوسته خود را قدرتمندتر کنند.

با انتخاب تاکتیک های درست، همواره می توان ترغیب های دشمن و خشونت وحشیانه اش را خنثی کرد!

**حزب حکمتیست (خط رسمی)**

۱۱ مهر ۱۴۰۱ - ۳ اکتبر ۲۰۲۲

## مردم آزادیخواه توطئه های حاکمیت را خنثی کردند

مردم "سنی" و کشتار آنها نه تنها عملی جنایتکارانه که توطئه ای بزرگ برای راه انداختن جنگ میان مردم به نام سنی و شیعه است. حاکمیت تلاش میکند به نام مردم کردستان و اسلحه، به نام مردم زاهدان و حمله به سنی ها، و با انواع دسیسه های شنیع و نقشه مند، میان مردم محروم و آزادیخواه در استانهای مختلف فاصله بیندازد و اعتراض متحد و یکپارچه ما را به جنگ مردم منتسب به مذاهب و ملیت ها تبدیل کند.

امروز شنبه نهم مهر، مردم آزادیخواه در سراسر ایران، از تهران و سمنان تا اهواز و مشهد و از شمال تا جنوب و از شرق تا غرب با اعتراضات هماهنگ و همبسته خود جواب این توطئه ها و سناریوهای سوخته و کثیف حاکمیت را دادند. امروز یکبار دیگر خیابانها زیر پای دختران و پسران جسور و انقلابی با شعار "از زاهدان تا تهران، خونین تمام ایران" به لرزه در آمد. مردم آزادیخواه ایران تا امروز با هوشیاری و اتحاد خود نه فقط توطئه های جمهوری اسلامی را خنثی کرده اند که صف خود را برای آزادی زن، برای برابری و رفاه و امنیت، برای بدست گرفتن سرنوشت و آینده جامعه به دست خود، گسترده تر، قدرتمند تر و متحد تر کرده اند.

زنده باد آزادی، زنده باد برابری

مرگ بر جمهوری اسلامی

حزب حکمتیست (خط رسمی)

۹ مهر ۱۴۰۱ - اول اکتبر ۲۰۲۲

و سایر اوباش رژیم به مردم معترضی که فقط با مشت های خود به خیابان آمده اند، تبدیل شده است، مردم حق دارند با تمام قدرت و با هر وسیله ای از خود دفاع کنند. خشونت را حکومتی آغاز کرده که از روزهای اول به قدرت رسیدن خود جواب هر اعتراضی را با گلوله و فشنگ و بمب داد. امروز مردم برای خاتمه دادن به این خشونت به میدان آمده اند!

حمله به مردم در مسجد "سنی ها" در زاهدان و پس از آن شلیک به سوی مردم بیگناه در خیابانها هر دو توطئه دیگر جمهوری اسلامی علیه مردم معترض است. توطئه ای شوم برای وارد کردن اسلحه به اعتراضات و تحریک مردم و بعلاوه بر انگیزتن اختلافات میان مردم محل به نام سنی، شیعه و....! این توطئه ادامه تلاش قبلی آنها و سناریوهای مهندسی شده وزارت اطلاعات مبنی بر وارد شدن اسلحه از کردستان به تهران و بقیه شهرها است. سناریویی که مستمسک توپ باران اردوگاه های نیروهای اپوزیسیون کرد در کردستان عراق توسط سپاه پاسداران و قربانی شدن دهها نفر شد.

حاکمیت از اعتراضات و خیزشهای دیماه ۹۶ تا آبان ۹۸ و تا امروز تلاش کرده است با تحریک، با تیراندازی به نام مردم و با اقدامات تحریک کننده، زمینه حمله و سرکوب آن را مهیا سازد. ماجرای حمله به مسجد منتسب به

روز جمعه ۸ مهرماه زاهدان نیز همراه شهرهای دیگر در ایران مرکز تجمعات اعتراضی زنان و مردان آزادیخواه بود. در دل این اعتراضات به ناگاه و بدنبال نماز جمعه در مسجد مردم منتسب به سنی، حمله ای مسلحانه به مردم انجام گرفت و تعداد زیادی کشته و زخمی شدند. مردم به طرف مراکز نیروهای امنیتی میروند که با تیراندازی نیروهای مسلح روبرو میشوند. مردم خشمگین متقابلاً سه کلانتری را به آتش میکشند. در این روز دهها نفر جان خود را از دست داده و تعداد زیادی هم زخمی میشوند.

بدنبال این حمله وحشیانه و اعتراض مردم، رسانه های جمهوری اسلامی در ادامه توطئه گری های خود، استفاده از اسلحه و حمله به مسجد و نمازگزاران و به علاوه آتش کشیدن سه کلانتری و کشته شدن یکی از مقامات نظامی خود را به مردم معترض زاهدان نسبت میدهند. بدنبال وزارت اطلاعات و رسانه های حکومت خیر "کشف اسلحه و دستگیری عوامل مسلح و وابسته به جریانات تروریستی و مجاهدین و دولتها و سرویس های اطلاعاتی آنها" را در بوق و کرنا کردند. رسانه های حکومتی اعلام کرده اند که گروهی به نام "جیش الظلم" مسئولیت این حملات را به عهده گرفته است.

بی تردید و زمانی که همه شهرهای ایران به میدان حمله وحشیانه نیروهای انتظامی، بسیجی

دنیا بدون فراخوان

سوسیالیسم

بدون امید سوسیالیسم

بدون «خطر»

سوسیالیسم،

به چه منجلابی تبدیل

خواهد شد.

منصور حکمت



روز مهسا

۲۵ شهریور

روز نه به حجاب

در تقویم جامعه ایران ثبت شد!

روزنه پاک آوازی و رهایی زن  
روزنه پاک آوازی و برابری

# ۲۵ شهریور  
# روز\_نه\_به\_حجاب  
# روز\_مهسا  
# مهسا\_امینی  
# نه\_روسری\_نه\_توسری  
# آزادی\_و\_برابری

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست (خط رسمی)

Worker-communist Party Hekmatist  
hekmatist.com



## حمله اتحادیه میهنی به تجمع حمایتی از اعتراضات مردم ایران

### اطلاعیه شماره ۲ دفتر کردستان

روز چهارشنبه ۶ مهر جمعیت کثیری از زنان و مردم آزادیخواه کردستان عراق در شهر سلیمانیه اعلام تظاهرات و تجمع در حمایت از زنان و اعتراضات آزادیخواهانه شهرهای ایران کردند. نیروهای امنیتی اتحادیه میهنی در مقابل مردم ایستاده و مانع تجمع و اعتراض حمایتی آنها شدند. طبق اطلاعیه حزب کمونیست کارگری کردستان، زنان و مردم آزادیخواه علیرغم تهدید پلیس و نیروهای امنیتی اتحادیه میهنی تلاش میکنند تجمع خود را برگزار و از اعتراضات مردم آزادیخواه ایران علیه بی حقوقی زنان حمایت کنند. نیروهای اتحادیه میهنی به صف معترضین حمله میکنند، از گاز اشک آور استفاده میکنند و تعدادی از معترضین را دستگیر میکنند. نیروهای اتحادیه میهنی بعلاوه مانع ورود رسانه ها به ماجرا میشوند تا اقدامات شنیع آنها به گوش جهانیان نرسد.

چند روز قبل از این ماجرا نیز تجمعات حمایتی از مردم آزادیخواه ایران در شهرهای کردستان عراق برگزار شد. در یکی از این تجمعات در سلیمانیه، آزادیخواهان با سوزاندن حجاب نفرت از زن ستیزی و حمایت و همراهی خود با زنان ایران را اعلام کردند. به دنبال این ماجرا جریانات اسلامی و شریک در حکومت اقلیم کردستان به تحرك درآمدند و یکی از اعضا پارلمان آنها خواهان محاکمه و دادگاهی "نغده عثمان" از فراخوان دهندگان این تجمع به جرم سوزاندن حجاب شد.

اعتراضات وسیع و آزادیخواهانه سراسری میلیون ها زن و مرد و جوان متمدن در ایران علیه جمهوری اسلامی، علیه بی حقوقی زن و با پرچم برابری زن و مرد و آزادی و برابری، که پایه های جمهوری اسلامی را لرزاند، ارتجاع در کل منطقه و از جمله در کردستان عراق را به وحشت انداخته است. یورش نیروهای اتحادیه میهنی به صف معترضین، تلاش برای محاکمه و دادگاهی نغده عثمان توسط جریانات اسلامی، بیان این وحشت و نگرانی ارتجاع حاکم بر این منطقه است.

این اقدامات بی شرمانه و ضد زن اتحادیه میهنی و دفاع و حمایت عملی آنها از زن ستیزی، بی حقوقی زن و از جمهوری اسلامی در شرایطی انجام میگردد، که در همین روز سپاه پاسداران جمهوری اسلامی اردوگاه های نیروهای اپوزیسیون کرد مستقر در کردستان عراق را وسیعاً بمباران کرد و تلفات جانی و مالی بزرگی به آنها زد. نیروهایی که تاریخاً با اتحادیه میهنی نه تنها روابط حسنه داشته که بعلاوه جملگی به نام "کرد" و حق "کردها" و احزاب بک جنبش واحد (جنبش ناسیونالیسم کرد) مدعی برادری با هم هستند.

در چند دهه گذشته حاکمین بر کردستان عراق، با اتکا به قوانین پوسیده "شریعه"، با علم کردن اسلام و سنت و فرهنگ و تقدس آنها، در بی حقوقی زن، کشتار زنان به نام ناموس و سنت، تهدید زنان کمونیست و آزادیخواه، حمله به کانون ها و مراکز دفاع از حق زن از خود جمهوری اسلامی دست کمی نداشته اند. زیر حاکمیت آنها زن ستیزی و بی حقوقی زن، قتلوا صادر کردن برای رهبران و فعالین برجسته کمونیست این جامعه و جنبش حق زن، تهدید به ترور و آدم ربایی از زنان، کمونیست ها و آزادیخواهان، بخشی از تاریخ سیاه حاکمیت ناسیونالیست های کرد در کردستان عراق است.

بی تردید سیل خروشان جنبش برابری زن و مرد در ایران، نه تنها جمهوری اسلامی بلکه همه باندها و جریانات اسلامی در منطقه و از جمله در عراق و کردستان عراق و کاخ کارتونی اتحادیه میهنی را نیز از پایه لرزانده است.

دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی) تعرض نیروهای اتحادیه میهنی به تجمع حمایتی از زنان در ایران را محکوم می کند. ما از مردم آزادیخواه در کردستان عراق و همه نیروهای مسنول و متمدن می خواهیم که سکوت پیشه نکنند و اعمال شنیع اتحادیه میهنی و نیروهای آن را محکوم و با اعتراضات و تجمعات خود نه تنها حمایت از مردم آزادیخواه در ایران را ادامه دهند که بعلاوه علیه زن ستیزی، بی حقوقی زن و قوانین حاکم شریعه در عراق و کردستان عراق به میدان بیایند. حزب ما در این جدال در کنار احزاب کمونیست کارگری کردستان و عراق و شما زنان و مردان آزادیخواه است.

دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی)

۷ مهر ۱۴۰۱ - ۲۹ سپتامبر ۲۰۲۲

فرد در اسلام، چه راستین و چه غیر آن، بی حقوق و بی حرمت است.  
 زن در اسلام برده است.  
 کودک در اسلام در ردیف احشام است.  
 عقیده آزاد در اسلام معصیت و مستوجب عقوبت است.  
 موسیقی فساد است.  
 سکس، بدون جواز و بدون داغ مذهب بر کپل مرتکبیش، گناه کبیره است.  
 این دین مرگ و خون و عبودیت است.  
 راستش همه ادیان همین اند، اما بیشتر ادیان را بشریت آزاداندیش و آزادیخواه در طول صدها سال در قفس کرده است.  
 این یکی را هرگز نگرفتند و مهار نکردند.  
 چرخ میزند و نکبت میآورد.  
 منصور حکمت  
 "اسلام و اسلام زدایی"

## دست تحركات ميليتاريستي جمهوري اسلامي از كردستان ايران و عراق کوتاه!

### (در مورد بمباران اپوزيسيون مستقر در كردستان عراق)

پروپاگاندا قبلي او براي تكميل پرونده شنيعي است كه مهندسي کرده بود.

اين تلاش مذبحانه نمیتواند تمرکز افكار عمومي و سيل اعتراضات سراسري براي آزادي زن و براي جامعه اي برابر و انساني را منحرف كند. اين عمليات و پروپاگاندهاي ميليتاريستي كه براي شكستن اتحاد سراسري مردم و شكاف بين استانهاي مختلف و ارباب جامعه صورت ميگيرد، بي ترديد با گسترش اتحاد و همبستگي سراسري و با گسترش مبارزه متحدانه مردمی، دوامی نخواهد داشت و تنها اين حربه تاريخي را از دست دشمن، خارج و آن را در مقابل جنبش انقلابي و سراسري مردم در ايران براي سرنگوني جمهوري اسلامي، خلع سلاح ميكند.

حزب حكمتيست (خط رسمي) ضمن محكوم كردن جمهوري اسلامي در بمباران مناطق مرزي و محل زندگي اپوزيسيون مستقر در كردستان عراق، ترديدي ندارد اينگونه سناريوها جمهوري اسلامي را از دست مردمی كه آزادي زن و آزادي و برابري را در صف ميليوني و سراسري بانگ ميزنند، نجات خواهد داد.

#### حزب حكمتيست (خط رسمي)

۶ مهر ۱۴۰۱ - ۲۸ سپتامبر ۲۰۲۲

تهران و خوزستان و آذربايجان و .. سراسر ايران را يك پارچه به تحرك درآورد و پايه هاي قدرت جمهوري اسلامي را لرزاند، از طرف مردم بي جواب نمی ماند! طغيان و خيزشي كه بدنيال قتل مهسا اميني توسط گشت ارشاد، سراسر ايران را متحد و يكپارچه، براي حق زن و حق انسان، به جدال حاكميت كشاند، را نمی توان با چنين مانورها و عمليات هاي ميليتاريستي از هم پاشاند. نمی توان به اميد جدا كردن كردستان از تهران و تهران از كردستان، اين منطقه را نظامي كرد!

دامنه اعتراضات چنان وسيع و همه جانبه است كه نيروهاي سرکوب را ناتوان و صفوف حاكميت از بالا تا پايين دچار ترس، ترديد و سردرگمي کرده است. چندی پيش جمهوري اسلامي، با صحنه سازي هاي رايج و اخبار جعل، تلاش کرد زمينه هاي اين تعرض را فراهم کند. تلاش کرد توطئه اي را مهندسي و مناطقي از ايران را ميليتاريستي و نظامي کند. فراموش نمی كنيم كه زمينه سازي اين تروريسم عيان، ادعای كذب جمهوري اسلامي در هفته گذشته مبني بر ورود اسلحه از غرب کشور بود. تلاش کرد به اين بهانه تمرکز افكار عمومي بر اعتراضات سراسري مردم آزاديخواه را منحرف و امكان و زمينه براي سرکوب را فراهم کند. حمله به اپوزيسيون كرد مستقر در كردستان عراق ادامه تبليغات و

جمهوري اسلامي صبح امروز چهارشنبه ۶ مهر اردوگاه هاي حزب دمكرات، دو سازمان زحمتكشان عبدالله مهندي و عمر ايلخاني زاده و "حزب آزاد كردستان" را وسيعا با پهباد و موشك بمباران کرد. طبق اخبار موثق، سپاه پاسداران در چند روز گذشته نيز مناطق مرزي كردستان عراق را توپ باران و اپوزيسيون مستقر در كردستان عراق را تهديد کرده بود. نيروهاي مستقر در اين منطقه با توجه به حملات قبلي، آمادگي از پيشي داشته اند و عليرغم بمباران وسيع همه اردوگاه هاي آنها تلفات انساني تا كنون محدود تر از نقشه و انتظار جمهوري اسلامي براي شكل دادن به يك كشتار وسيع و ايجاد رعب در منطقه بوده است.

رسانه هاي اقليم كردستان تا اين لحظه آمار كشته شدن ۹ نفر و زخمي شدن ۳۲ نفر را اعلام کرده اند. طبق اخبار موثق، اين حملات همچنان ادامه دارد و خطر قرباني كردن تعداد بيشتري وجود دارد. گزارش شده است كه در اين حملات محل زندگي خانواده ها، پناهندگان و حتي مدرسه كودكان نيز هدف قرار گرفته اند.

اين مانور و عمليات ميليتاريستي و تروريستي، كه تنها براي مقابله با اعتراضات وسيع آزاديخواهانه در ايران كه از كردستان تا

## سوزاندن حجاب، آب در لانه مورچگان

### در حاشيه تهديدات نيروهاي اسلامي در كردستان عراق

همراه با جنبش حجاب سوزان در ايران، در شهر سلیمانیه نمایش حجاب سوزان، این نماد حاکمیت جمهوری اسلامی و جریانات مرتجع اسلامی از جمله در عراق را با قدرت اجرا کردند. "نغده عثمان" از چهره های سرشناس دفاع از حقوق زنان و یکی از سازماندهندگان و سخنگویان این تحرك و از اعضای رهبری حزب کمونیست کارگری كردستان در كردستان عراق در کنار زنان و دختران جسور در ايران، در میتینگ اعتراضی در سلیمانیه حجاب را بعنوان سمبل بردگی و بیحقوقی زن به آتش ميكشد.

اين حرکت آب در خانه مورچه گان ريخت و نيروهاي اسلامي و ارتجاعي و مهره هاي ريز و درشت اسلامي از آخوند و نماينده مجلس تا احزاب و جريانات اسلامي را بر آشفته و به تكلپو انداخته است. ظاهرا تخت و بخت و مفت خوري و سرنوشتهان با تعرض زنان در ايران و در ادامه تعرض زنان با اعتماد به نفس بالا و قدرتمندتر در سلیمانیه در حال نابودی و آوار شدن است. وحشت از آینده اي مشابه جمهوري اسلامي اين مرتجعين و اين مفت خورهاي مذهبي را به دست و پا زدن، انداخته است. نيروهاي اسلامي كه يكبار در فتوای خود عليه

معادلات جامعه اهميت خود را ديکته کرد و اين قدرت و اين موقعيت و اين تعرض وسيع زنان در کنار جنبش کارگری، مهر عميق خود را نه تنها بر معادلات جامعه ايران بلکه در سراسر دنيا و به ویژه در کشورهای اسلامي منطقه زد. امروز سنبه جنبش زنان براي آزادي و برابري پر زورتر از هميشه شده و موقعيت آنان را در جامعه به شدت بالا برده است. اضطراب حاکمين اسلامي و جريانات ارتجاعي بر متن اين تحولات كه زنان پايه و نيرو محرکه آن هستند، ديدي است.

زنان و مردان آزاديخواه و برابري طلب در اقليم كردستان عراق و در شهر سلیمانیه در دفاع از جدال جنبش زنان با حاکميت ارتجاعي در ايران و بخشی از جدال خود بر سر آزادي، برابري و عليه حاکميت سپاه مذهب و قوانين اسلامي در كردستان عراق به ميدان آمدند و

جنبش حق زن، جنبش اعتراضی زنان براي برابري و رهايي در ايران با قتل مهسا اميني جرقه اش زده شد. قتل مهسا نفرت عميق زنان و مردن آزاديخواه از حاکميت اسلامي و تمام قوانين ضد انساني آن به جنبشي گسترده و اجتماعي در ايران تبديل شد. جنبشي كه زمين را زير پای حاکميت اسلامي و ضد زن داغ کرده و تا همين لحظه شكست عميقي را به جمهوري اسلامي تحميل کرده است.

حجاب سوزان دسته جمعي زنان و دختران متفر از اين سمبل تحقير و بيحقوقی، حضور جسورانه زنان بي حجاب در تظاهراتها، مقاومت جسورانه جوانان در مقابل نيروي سرکوبگر و ... همه و همه موقعيت پايين و به ویژه جنبش برابري و رهايي زن در برابر بالا را به شدت به نفع پايين تغيير داد. قدرت زنان و موقعيت زنان به عنوان نيمي از جمعيت در



اگر زن آزاری و زن‌ستیزی و تبعیض و خشونت علیه زن هنوز یک واقعیت پابرجای زندگی مردم این عصر است، اگر علیرغم جنبش‌های قوی و اجتماعی برای رهایی زن، هنوز ستم جنسی در چهارگوشه جهان حکم می‌راند، باید حکمتش را همین‌جا، در همین عصر و در مصالح همین نظام جستجو کرد.

جنایت از سر «جنون»، همیشه ممکن است وجود داشته باشد. اما آن نوع جنونی که قربانیانش، از خیابان و خانه تا مدرسه و کارخانه، عمدتاً زنان هستند، دیگر جنون نیست، بلکه بیان جنون‌آمیز گوشه‌ای از عقل حاکم بر جامعه است.

سایت منصور حکمت:

<http://hekmat.public-archive.net>

تلگرام مجموعه آثار حکمت:

<https://t.me/mansoorhekmat>

## ایران بدون حجاب! "مرگ بر دیکتاتور"

دانشگاه مشهد صدای تیراندازی شنیده شد.

امروز صدها هزار تظاهر کننده، پیام شان را که از دیماه ۹۶ آغاز شده به نظام تکرار کردند:

"این آخرین پیامه، هدف خود نظامه"، "ما همه مهسا هستیم، بجنگ تا بکنیم"، "می کشم، می کشم، هرآنکه خواهرم کشت"، "نه روسری، نه توسری، آزادی و برابری"، "زن، زندگی، آزادی" و ....

امروز در کردستان جنگ تمام عیاری در جریان بود. در دو روز اخیر تجمعات و تظاهرات در شهرهای سقز و سنندج ده ها نفر زخمی و تعداد بیشتری بازداشت شدند. در این دو شهر تنها دیروز ۴۰ نفر زخمی و ۱۵ نفر بازداشت شدند.

در میان زخمی های دیروز سقز ۵ نفر در وضعیت وخیم جسمی به تبریز منتقل شدند که دو نفرشان به اسامی محمد پارسا صحت، نچیروان معروفی، از ناحیه سر و چشم مجروح شده اند و کیان درخشان به دلیل شدت جراحت جان باخت. در سنندج تا این لحظه ده زخمی و ده ها نفر بازداشت شده اند. فرانک رفیعی فعال حقوق زن در سنندج بوده شده است. درگیرها در سقز و سنندج ادامه دارد. تعدادی از سرکوب گران در سنندج مجروح و به بیمارستان منتقل شده اند.

در مهاباد تا کنون ده نفر مجروح شده اند که چهار نفرشان نوجوان زیر ۱۸ سال هستند. در بوکان دختر ده ساله ای مجروح شده است.

امروز دوشنبه ۲۸ شهریور در سراسر ایران خیابان ها محل بهم پیوستن جویبار خشم زنان و مردان آزادیخواه بود. از سه روز پیش از سقز و سنندج تا تهران تجمعات و تظاهرات توده ای در جریان بود. امروز همه ی شهر و شهرک های کردستان و اکثر شهرهای بزرگ ایران، تهران، مشهد، اهواز، نیشابور، رشت، اصفهان، کرج، خرم آباد، ایلام، کرمانشاه...، خیابان ها در تسخیر تظاهر کنندگان انقلابی بود. امروز تهران و دیگر شهرهای ایران تا کردستان بدون حجاب بود. در همه تجمعات و تظاهرات ها زنان که در اکثریت هم بودند روسری ها کنار رفتند. در شهر بانه زنان روسری ها را آتش زدند.

در تهران خیابانهای مرکز شهر در صادقیه، کارگر، میدان ولیعصر و بلوار کشاورز محل تجمع و تظاهرات مردم و زنان بدون حجاب بود. نیروهای سرکوب با ماشین آب پاش، گاز اشک آور به تظاهر کنندگان حمله کردند. در این تظاهرات ها موتور گارد ویژه و دو ماشین گشت ارشاد به آتش کشیده شدند.

دانشگاه های تهران، امیرکبیر، مدرس، علامه، صنعتی شریف، پلی تکنیک و دانشگاه اصفهان شاهد تجمع و تظاهرات دانشجویی با شعار، "از تهران تا کردستان اتحاد اتحاد" و درگیری تظاهر کنندگان با بسیجی ها و دیگر مزدوران جمهوری اسلامی بود. دانشگاه پلی تکنیک محل شدید ترین درگیری میان دانشجویان و مزدوران رژیم بود. امروز در مقابل درب

"ریبور احمد" کمونیست شناخته شده و محبوب تو دهنی محکمی از مردم در کردستان گرفته اند، اینبار در قالب شکایت شخصی یکی از "زنان مسلمان" عضو پارلمان کردستان از "نقده عثمان" به تعرض علیه جنبش آزادیخواهان مردم در کردستان عراق دست زده اند. ظاهرا "نقده عثمان" به اعتقادات و قوانین قرون وسطایی اسلامی توهین کرده و باید مجازات شود!

این جریانات سالها است زیر سایه حاکمیت احزاب ناسیونالیست کرد و در همراهی آنها قوانین شریعت را به کردستان عراق تحمیل و هر ساله تعداد زیادی از زنان را به جرم حق طلبی و عدم رعایت قوانین ارتجاعی به مرگ محکوم میکنند. آنچه در ایران راه افتاده در کل منطقه از افغانستان تا عراق و کردستان عراق در حال عروج است، جنبشی است برای برابری و رهایی زن و علیه تمام قوانین ارتجاعی مذهبی و قومی و سنتی که طوق بردگی بر گردن زن می اندازند. مرتجعین حاکم بر کردستان عراق، احزاب حاکم بر این جامعه باید شرم کنند و خجالت بکشند. تهدید "نقده عثمان" به "جرم" دفاع از زنان آزادیخواه ایران و در دفاع از حق زن و سوزاندن سمبل بردگی زن، به عنوان لکه ننگینی در تاریخ آنها ثبت خواهد شد. این "شکایت" تعرضی به زنان آزادیخواه ایران و منطقه و اعلام جنگی علیه آن است.

جریانات و مرتجعین اسلامی و احزاب ناسیونالیست حاکم بر کردستان عراق، نباید شک کنند که حرکت به راه افتاده در ایران همراه با جنبش رهایی و برابری طلبانه زنان در کردستان عراق از روی تمام قوانین شریعه و قوانین ضد زن و ضد انسانی اسلامی رد خواهد شد و آنها در قفس خواهد کرد. جنبش و اعتراض زنان برای احقاق حقوق انسانی و برابری زن و مرد در ایران گوشه هایی از یک حرکت عمیق و جاری در منطقه از لبنان و عراق تا افغانستان و... است که جهانیان متمدن را به شور و شوق آورده است. زنان در ایران نوک کوه یخ یک تعرض تاریخی به آپارتاید جنسی و قوانین اسلام بانی آن اند. تعرضی که در ایران شروع شده و امواج طوفانی آن کل منطقه و از جمله کردستان عراق را هم فراگرفته و مرتجعین ضد زن را ترسانده است.

دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی) در کنار کمونیستها و زنان برابری طلب در کردستان عراق و در همراهی با حزب کمونیست کارگری کردستان در راس تعرض و اعتراض زنان به ارتجاع اسلامی خواهد بود. احزاب و جریانات اسلامی و پارلمان کارتونی کردستان عراق باید بدانند که اگر دست از پا خطا کنند بی گمان در آتشفشان تعرض و طوفان جنبش ضد اسلامی زنان نابود خواهند شد.

**دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی)**

**۲۵ سپتامبر ۲۰۲۲**

در تظاهرات مردم مریوان زنان روسری ها را بر داشتند. در این تجمع دو نفر به اسامی امجد ساعدی رئیس "انجمن کودکان کار و خیابان کردستان" و ریویار کامرانی فعال "انجمن کارگران ساختمان مریوان"، دستگیر شده اند.

امروز شهر دیواندره میدان یک جنگ واقعی بود. نیروهای مسلح رژیم با کلاشنیکف تظاهر کنندگان را که فقط سنگ در دست داشتند گلوله باران کردند و حداقل ۴ کشته و ده ها نفر زخمی شده اند. دو تن از کشته شدگان فواد قدیمی و یک نوجوان به نام محسن محمدی است.

در تظاهرات های امروز شبکه های جوانان بطری های اب، ماسک و فندک همراه داشتند و در میان مردم پخش می کردند تا با گاز اشک آور مقابله کنند. در جنگ و گریزهای شهرهای کردستان درب خانه های مردم به روی تظاهر کنندگان باز بود.

تظاهر کنندگان فریاد می زدند که "در شهرهای ایران ماشین های گشت ارشاد اجازه تردد ندارند. چه از نزدیک و چه از دور با تیرکمان، شیشه های ماشین ها را می شکنیم و لاستیک هایشان را پنجر می کنیم!"

امروز مردم انقلابی ایران اعلام کرد که تا انحلال گشت ارشاد و بستن بازداشتگاه های زنان به نام آموزش و توجیه شریعت پوسیده اسلامی و لغو حجاب اجباری از پای نمی نشینند. همچنین با شعار مرگ بر دیکتاتور نفی کامل نظام را فریاد زد.

**مردم آزادیخواه**

**زنان و مردان برابری طلب**

جهانیان صدای شما را شنیده اند، بشریت متمدن

مردم آزادیخواه، زنان مبارز و برابری طلب ایران!

شما طی چند روز گذشته در اعتراض به جنون ضدزن حکومت اسلامی در ایران، که در اجرای فرامین اخلاقیات اسلامی و کنترل حجاب، مهسا امینی را شکار کرد و در مقابل چشمان جامعه او را به قتل رساند، یک لحظه و یک دقیقه ساکت نماندید!

درود بر شما که فرمان "دیگر بس است" را به نمایندگی از هشتاد میلیون شهروند گرفتار بختک جمهوری اسلامی، که نیمی از آن

مدافع و حامی شما است. شما نشان دادید که بیش از این تحقیر و بی حرمتی به زن را تحت هر نامی از شریعت اسلام شیعه تا سنی و فرهنگ و سنت و... نمی پذیرید. شما به جهان اعلام کردید مردم آزادیخواه ایران بیش از این تحجر ضد زن را نمی پذیرد! شما روسری هایتان را به عنوان سمبل تحقیر و توهین به زنان سوزانید و اعلام کردید همه قوانین ضد زن باید رسماً ملغاً شود. اعلام کردید که گشت ارشاد و درب همه نهادهای ضد زن باید بسته شوند. اعلام کردید که دخالت مذهب در زندگی مردم را نمی پذیرید. اعلام کردید که دستگیری مردم معترض ممنوع است و همه دستگیر شدگان اعتراضات اخیر فوری باید آزاد شوند. اعلام کردید که قاتلین مهسا و همه کسانی که دستور تیراندازی به صفوف مردم معترض را دادند باید معرفی و دادگاهی شوند. این مطالبات انسانی تنها گوشه ای از خواست و مطالبات مردم آزادیخواه ایران است.

از رئیسی تا رئیس قوه قضائیه با حقه بازی قول رسیدگی "عادلان" به پرونده مهسا امینی را داده اند. اما همزمان مزدوران آنها خیابان های شهرهای ایران را از خون مردم آزادیخواه رنگین میکنند و خانه گردی و دستگیری شریف ترین انسانها را همه جا شروع کرده اند. نباید فریب این جلادان و شارلاتان های سیاسی را خورد. قدرت ما اتحاد سراسری ما و نیروی عظیم و میلیونی ماست. ماشین سرکوب را باید از کار انداخت و افسار این جانپان را باید کشید. باید حاکمین را مجبور کرد که بطور عملی عقب بشینند و عملاً و رسماً به مطالبات شما مردم آزادیخواه تن بدهند. این را باید با اتحاد خود تحمیل کرد. این قدمی در راه آزادی واقعی و سعادت و زندگی انسانی برای مردم ایران است.

**زنده باد برابری زن و مرد**

**زنده باد آزادی و برابری**

**حزب حکمتیست (خط رسمی)**

۲۸ شهریور ۱۴۰۱

**طغیان سراسری در ایران برای حق زن!**

یعنی دهها میلیون زن، هر روز و هرلحظه در ناامنی و خطر گرفتاری در دام اوباش کنترل حجاب زندگی می کنند، را در سراسر ایران، صادر کردید. درود بر شما که از تهران، سقز، سنندج، مشهد، مهاباد، گوهردشت تا دانشگاه های تهران، پلی تکنیک، هنرهای زیبا و مراکز و شهرهای دیگر، از مراکز کارگری و انواع محافل و جمع های فرهنگی و هنری تا شخصیت های سیاسی و اجتماعی، به این جنایت، به زن ستیزی و بی حقوقی زن و به جمهوری اسلامی اعتراض کردید! شما در تجمعات خود با دور انداختن و آتش زدن روسری های خود، نفرت عمیق خود

را از جمهوری اسلامی و همه سمبل های ارتجاع ضد زن به نمایش گذاشتند.

شما در شعارهایتان و اعتراض هایتان به درستی از ارزش های مردسالارانه و کثیف ضدزن اسلامی فاصله گرفتید! به درست حق زن را به حق زندگی گره زدید و آمادگی تان برای دگرگون کردن جامعه به نفع برابری زن و مرد را اعلام کردید و تلاش های تفرقه افکنانه دوستان دروغین مردم را کنار زدید و انگشت نشانه را مستقیم بسوی کل نظام و حاکمیتی که زن ستیزی یکی از مهمترین ارکان بقا اوست گرفتید.

دامنه این اعتراضات شما هر روز گسترده تر و سراسری تر می شود. شما مردم آزادیخواه ضمن محکوم کردن جمهوری اسلامی به عنوان عامل و بانی آپارتاید جنسی و همه جناباتی که در این چهاردهه علیه زنان اعمال کرده اند، علیه فقر و استثمار و بی حقوقی به میدان آمده و خواهان پایان فوری بی حقوقی زن، پایان دخالت مذهب در زندگی زنان، لغو همه قوانین ضد زن و جمع کردن مزدوران گشت ارشاد از محل کار و زندگی خود و خواهان معرفی و محاکمه علنی قاتلین مهسا امینی و همه کسانی هستید که در این روزها فرمان تیراندازی به مردم آزادیخواه داده اند.

**مردم آزادیخواه**

**زنان و مردان برابری طلب**

صدای اعتراض شما به قتل مهسا امینی به گوش جهانیان رسید، اعتراض بر حق شما به بی حقوقی زنان و نفرت بر حق شما از همه قوانین، سنن و فرهنگ مردم سالار و عقب مانده ضد زن و علیه چهار دهه جنایت جمهوری اسلامی، سراسر ایران را فرا گرفته است. جمهوری اسلامی با همه عوامل و مزدوران مسلح و غیر مسلح آن قدرت متحد شما را دیدند و بر خود لرزیدند. شما نشان دادید که بیش از این تحقیر و بی حرمتی به زنان، جنایت، توحش و زن کشی را تحمل نمی کنید. جمهوری اسلامی تلاش می کند ضمن گسیل نیروهای مسلح و غیر مسلح خود علیه شما، با رجزخوانی و فریبکاری و قول و وعده دروغین مردم را به خانه های خود بفرستند و این موج را از سر بگذارند.

نباید گذاشت و نباید اجازه داد این دست انداز را با قتل مهسا امینی با آرامش خیال طی کنند. امروز در سراسر ایران جامعه ای در اندوه از دست رفتن مهسا همان گونه که انتظار می رفت شریک اندوه خانواده او است! همدردی عظیمی که همراه خشم لبریز شده این روزها در جامعه غلیان دارد، قتل تراژیک مهسا را به تحرکی غیر قابل کنترل تبدیل کرده است. مردم اندوهگین اما میلیون ها بار خشمگین برای احترام به

## سنندج در دفاع از اعتراضات مردم سقز به میدان آمد!

سرکوبگر و ایدئولوژیک حاکمیت پاک کنید. امنیت و آزادی خود را در کنار هم و دوشادوش هم در ارگانه‌های اعمال حاکمیت خود تامین کنید. زمین و زمان را بر سر نیروهای کثیف اسلامی و مدافع سرکوب زنان خراب کنید. جوانان و زنان و مردان آزادیخواه باید شهرهای ایران را به تسخیر خود درآورند و بساط گشت ارشاد و نیروهای انگل و اوباش اسلامی را برچینند. امروز خروش تعرضی بخشی از همسنگران شما از سنندج و سقز تا تهران کل حاکمیت را با تمام دستگاه سرکوب و ماشین پلیسی آن به عقب نشینی وادار کرده است. باید بر متن چنین قدرت و چنین پیشرویی تمام قوانین ضد زن در ایران فوراً ملغی شوند و آزادی و برابری کامل زن و مرد تثبیت شود. باید صفوف دشمن را با گسترش اعتراضات و سراسری تر کردن آن حول مطالبات رادیکال خود تنگ تر کرد و عاملین قتل مهساها و آمرین حکومتی ۴۰ سال قتل زنان در ایران را در دادگاه های مردمی به پای میز محاکمه کشید. این قدرت میلیونی و متحدانه شماست که ماشین سرکوب حاکمیت آدمکشان اسلامی را به زانو در خواهد آورد.

دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی) ضمن قدردانی از حضور هزاران نفره و قدرتمند مردم سنندج و بخشا مردم تهران در همبستگی و دفاع از اعتراضات مردم آزادیخواه سقز، خود را دوشادوش هر جنب و جوش اعتراضی مردم برای ایجاد صفی محکمتر و سراسری تر می داند. زن و مرد، متحدانه و سراسری تر به میدان بیایید و در کنار همسرنوشتان خود، حاکمیت منحوس اسلامی را یکبار برای همیشه به زیر بکشید.

زنده باد مبارزه و اعتراض متحدانه زنان و مردان آزادیخواه در سراسر ایران

دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی)

۲۶ شهریور ۱۴۰۱

به دنبال اعتراضات گسترده مردم سقز به قتل مهسا امینی توسط گشت ارشاد در تهران، امروز نیز میدان اقبال سنندج در یک همبستگی وسیع به محل اعلام انزجار هزاران انسان آزادیخواه و برابری طلب از جمهوری اسلامی تبدیل شد. خشم فروخورده مردم منتفر از نظام اسلامی امروز در یک جنبش سراسری که یک گوشه اش در سقز و گوشه های دیگرش در تهران، مریوان، اصفهان و اهواز ... است، بیرون زد و خیابانهای اطراف میدان اقبال را در سنندج به تسخیر خود در آورد و همبستگی سراسری خود را حول افسار زدن به گشت های ارشاد و قوانین ضدزن حاکمیت اسلامی اعلام کرد. مردم آزادیخواه سنندج علیه حاکمان قاتل و ضد زن اعلام جرم کردند. "مرگ بر دیکتاتور"، " سقز تنها نیست دنیا همراه اوست"، " می کشم می کشم آنکه خواهرم را کشت" و ... خیابان های اصلی سنندج مشرف به میدان اقبال را به تسخیر خود در آورد.

با وجود یک فضای به شدت پلیسی و امنیتی، با وصف تعرض شدید نیروهای امنیتی در سقز و سنندج، با وجود اینکه تا همین الان تعداد بیش از ۱۵ نفر از جوانان سقز در پی شلیک نیروهای امنیتی زخمی شده اند و با وجود یک تعرض وحشیانه از طرف اوباش اسلامی، مردم مصمم تر و قدرتمندتر خیابانها و مراکز امنیتی رژیم را به لرزه درآورده اند. این جنبشی است که مدتهاست به راه افتاده و جنبش زنان حلقه اصلی یورش به کل حاکمیت ضد انسانی جمهوری اسلامی است.

زنان و مردان آزادیخواه ایران

همسرنوشتی و اتحاد شما با مردم سنندج، سقز، تهران و مریوان در تمام شهرهای بزرگ و کوچک از نان شب واجب تر است. با اتحاد خود، محلات کار و زیست را از نهادهای

زندگی و برای احترام به ارزش زندگی مهسا نه در کنج عزلت و عزا که در میدان جدال و مبارزه‌ای رو در رو صف بسته‌اند. این میدان راه رسیدن مهساهای آینده را باز می‌کند.

این میدان برای سوگواری نیست! کسی قادر به تسکین درد و اندوه خانواده مهسا نیست! این میدان تامل کردن و اکتفا به فعالیت‌های دنیای مجازی و در خانه ماندن هم نیست!

این روزها باید در ابعاد توده‌ای و متشکل، در تمام شهرهای بزرگ و کوچک، در تمام مراکز کار و تحصیل و محلات زندگی، با انواع ابتکارات سراسری و محلی دست بکار شد! مهسا قربانی حفظ مقررات مهوع حجاب شد! چه چیزی احترام آمیزتر نسبت به حق زندگی او غیر از پرت کردن حجاب و روسری!

باید با پرت کردن حجاب و روسری به عنوان سمبل بی‌حقوقی زن به هر شکل ممکن به میدان آمد. مبارزه علیه آپارتاید جنسی اکنون به یکی از عرصه‌های داغ و اصلی مبارزه علیه این نظام بدل شده است. باید حکام جنایتکار را وادار کرد رسماً و علناً عقب بشینند، مزدوران گشت ارشاد را جمع کنند، به دخالت در زندگی زنان و مردم آزادیخواه پایان دهند، قوانین ضد زن را ملغاً اعلام کنند، قاتلین مهسا را علناً محاکمه کنند و درب زندان‌ها را باز و همه کسانی که در این چند روز دستگیر شده‌اند آزاد کنند.

جهان نظاره‌گر به حرکت درآمدن یک جنبش سراسری و متشکل از طبقه کارگر، کمونیست‌ها و جنبش آزادی‌خواهی و برابری‌طلبی در ایران برای حمله به ارکان حاکمیت آپارتاید جنسی و لغو این قانون قرون وسطایی است. عقبراندن حکام ایران و مجبور شدن‌شان به برسمیت شناختن مطالبات شما، قدمی جدی در این راه است. تلاش مذبحخانه حاکمیت در مقابل شور و عطش جنبش‌رهایی و برابری زن باید به شکست بیانجامد.

زنده باد آزادی و برابری زن و مرد!

مرگ بر جمهوری اسلامی

حزب حکمتیست (خط رسمی)

۱۸ سپتامبر ۲۰۲۲

عاملین قتل مهسا باید به مردم و به افکار عمومی معرفی شوند!

آمرین حکومتی ۴۰ سال قتل زنان در ایران باید به پای میز محاکمات در دادگاه‌های مردمی کشیده شوند!

## قتل مهسا؛ تعرض به زنان، تعرض به بشریت

قتل مهسا امینی، دختر ۲۲ ساله، توسط مزدوران جمهوری اسلامی، جنایتی فراموش نشدنی و تعرض به حق زن، تعرض به همه انسانها و توهین به بشریت است. مردم آزادیخواه این توحش را بر نمی تابند. مردم ایران بیش از این جنایت، توحش، زن ستیزی و زن کشی را در هیچ شکل آن تحمل نمیکنند. مرگ مهسا امینی بار دیگر صدای اعتراض مردم ایران و اعلام کیفرخواست تاریخی آنها علیه جمهوری اسلامی، علیه زن ستیزی و جنایت هر روزه علیه زنان، علیه همه قوانین و مقررات ضد انسانی را به گوش جهانیان رساند. اعتراض مردم مبارز تهران به مرگ مهسا امینی، مراسم و تجمع اعتراضی وسیع مردم مبارز در سقز به این مناسبت، تنها گوشه ای از یک جنبش اعتراضی و برایی طلبانه عظیم به وسعت ایران است، جنبشی که یک روز در خوزستان، روز بعد در تهران و سپس در مریوان و سقز علیه زن ستیزی زبانه میکشد و جمهوری اسلامی را با قانون و فرهنگ ضد زن آنرا به مصاف میطلبد. مردم ایران این توحش را تحمل نمیکنند. تازه ترین خبرها حاکیست که نیروهای امنیتی و انتظامی در شهر سقز در رودویی با مردم معترض، دستکم ۱۳ نفر را زخمی کرده و یک جوان به نام کیان درخشان از ناحیه سر مورد اصابت گلوله مزدوران حاکمیت قرار گرفته و وضعیت جسمانی وی وخیم گزارش شده است.

زنان و مردان آزادیخواه در همه جای ایران همین امروز و فوری خواهان عقب راندن حکومت و عوامل مسلح و غیر مسلح آن در دست درازی به زنان و حقوق انسانی آنها هستند. دستگیری سبیده رشنو در تهران، مرگ

شلیبر رسولی در مریوان، کشتن مهسا امینی در تهران همگی جنایاتی آشکار علیه حقوق انسانی زنان و تعرض به آزادی، حرمت و کرامت ۸۵ میلیون انسان در ایران است. مهسا، سبیده، شلیبر تنها سه مورد از دهها و صدها و میلیونها زنی هستند که به جرم عدم رعایت قوانین ضد زن، بدلیل عدم احترام به مردسالاری و فرهنگ عقب مانده ضد زن به چنین سرنوشتی دچار شده اند. مردم آزادیخواه ایران بیش از این بربریت و آپارتاید جنسی علیه زنان را قبول نمیکنند. مردم آزادیخواه هم اکنون و فوری خواهان معرفی، محاکمه علنی و مجازات قاتلین مهسا، از "رئیس کل قوا" تا مزدوری که وی را به قتل رساند، هستند. مردم خواهان بر چیدن و جمع کردن همه مزدوران گشت ارشاد از محل کار و زندگی خود هستند. مردم آزادیخواه خواهان لغو همه قوانین ضد زن از حجاب اجباری تا جداسازی ها و نظام و سیستم بانوی و مدافع آن هستند.

دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی) ضمن قدردانی از مردم آزادیخواه تهران و سقز و بقیه شهرهای ایران که علیه جنایت حاکمین و قتل مهسا امینی به میدان آمدند، زنان و مردان آزادیخواه را به مبارزه ای متحدانه، علیه جمهوری اسلامی، علیه قوانین و مقررات ضد زن، علیه هر نوع دست درازی به حقوق زنان تحت هر نام و به هر بهانه ای و به مبارزه ای سراسری و متحد علیه زن ستیزی سیستماتیک و حاکم در ایران و برای برابری زن و مرد فرا میخواند.

زنده باد برابری زن و مرد

مرگ بر جمهوری اسلامی

**دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی)**

**۲۶ شهریور ۱۴۰۱ - ۱۷ سپتامبر ۲۰۲۲**

## متحدانه به پاخیزیم! این نبرد را پیروز کنیم!

امروز شنبه ۲۶ شهریور در آرامگاه آبیچی هزاران نفر از مردم معترض و آزادیخواه در مراسم خاکسپاری مهسا امینی شرکت کردند. مردم در این مراسم با حضور گسترده خود کیفرخواست میلیونها انسان دردمند علیه جمهوری اسلامی، این نظام سرتاپا زن ستیز و ضد بشر را اعلام کردند. اکنون باروت نفرت عمومی در فضای انفجاری جامعه و در سطح سراسری پخش شده است. دیروز در مقابل بیمارستان کسری و میدان آرژانتین در تهران، چند روز پیش در مریوان و امروز از سقز تا تهران و اصفهان و ...، این صدای اعتراض مردم خشمگین است که زمین را زیر پای نظام نکبت اسلامی داغ کرده است.

بنا به اخبار و گزارشات، بعد از مراسم خاکسپاری مهسا امینی مردم در صف هزاران نفره به سوی فرمانداری به حرکت در آمدند و کوچه و خیابانهای شهر سقز را به تسخیر خود در آوردند. نیروهای امنیتی نظام مطابق پیشه همیشه خود به مردم شلیک کرده اند و تا به حال خبر زخمی شدن یک نفر اعلام شده است.

مردم آزادیخواه! زنان و مردان برابری طلب! مردم متحد هرگز شکست نخواهند خورد. باید متحدانه و در سطح سراسری در کنار مردم شهر سقز قرار گرفت. باید زمین را زیر پای حاکمیت داغ کرد و شهرهای ایران را به تسخیر جنبش آزادیخواهانه و برایی طلبانه خود در آورد. باید رژیم تقاص تعرض به زنان و جنبش برابری طلبی را پس دهد. رژیم تا همین لحظه مرعوب حرکت سراسری اقشار مختلف جامعه شده و در برابر آن زانو زده است. باید این کار را به سرانجام رساند و این رژیم آپارتاید جنسی و ضد انسانی را همراه با تمام عمله و اکره آن گوشمالی داد.

این جنبش در هم تنیده، این جنبش آزادیخواهانه و برابری طلبانه امروز در کنار خانواده مهسا به میدان آمده است و به جمهوری اسلامی اعلام جنگ کرده است. باید این نظام تاوان همه جنایتهای خود در طول این چهار دهه از عمر ننگین خود را بدهد. این حکم مردم معترض و جنبش برابری طلبانه زنان و مردان در شهرهای مختلف ایران است.

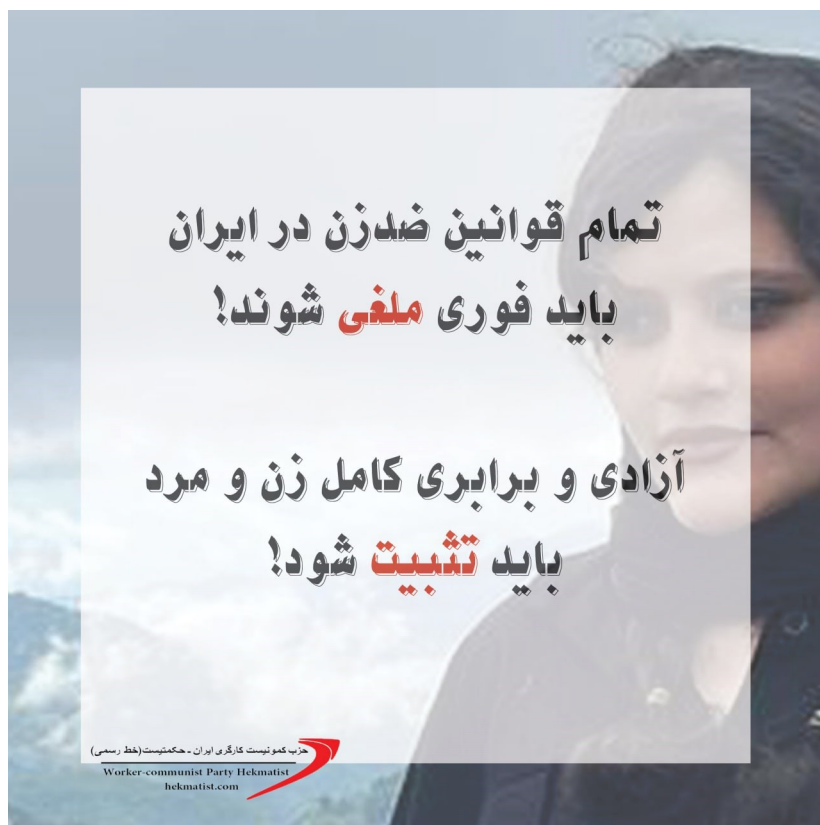
دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی)، زنان و مردان برابری طلب را به گسترش متحدانه اعتراضات علیه جمهوری اسلامی فرامیخواند. باید در سطح سراسری در کنار اعتراضات قدرتمند جنبش آزادیخواهی و برابری طلبانه زنان و مردان قرار گرفت و یک تعرض متحدانه را سازمان داد. امروز فضای انفجاری و نفرت از حاکمیت امکان تعرض های وسیع اجتماعی را به مردم و به طبقه کارگر و به صف متحد زنان و مردان آزادیخواه می دهد. باید زمین و زمان را روی سر این رژیم نکبت و ضد زن خراب کرد. آینده از آن ماست!

زنده باد آزادی و برابری

مرگ بر جمهوری اسلامی

**دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی)**

**۲۶ شهریور ۱۴۰۱**



**قتل عمد مهسا امینی بی جواب نمی ماند! شما رفتی هستی**

**مروری بر شوراهاى محلات  
سنندج**

احمد بهزاد مطلق

برگرفته از نشریه شماره ۲۵۰ کمونیست  
ماهانه

(بنکه ها)

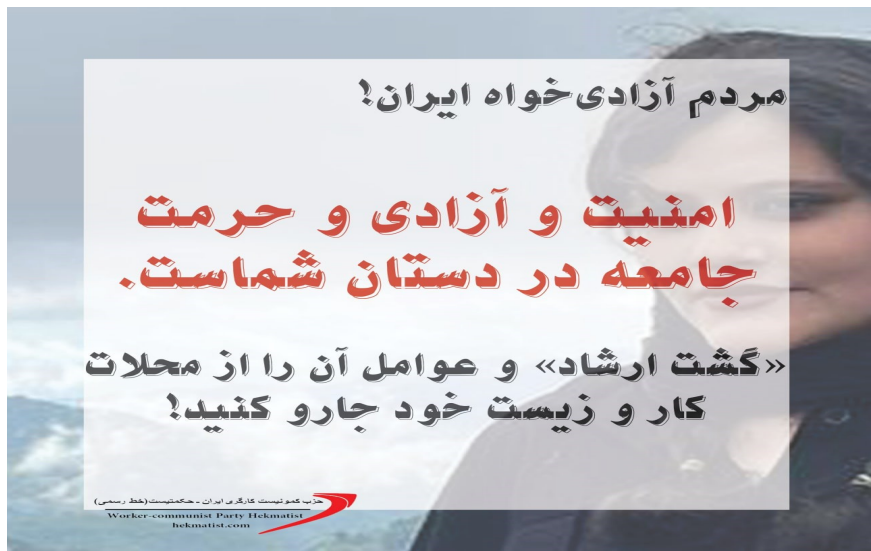
هدف از این نوشته قرار دادن تجربه ای ارزشمند از کار در محلات برای نسل امروز است و بیان نقش بنکه های محلات سنندج و شوراهایی است که شکل گرفتند. بنکه هایی که در دوره انقلاب و با سرنگونی حکومت پادشاهی به کمک کمونیستها شکل گرفتند و در طول عمر کوتاه خود نقش ارزنده ای در دفاع از آزادی و امنیت شهر و در اداره شهر سنندج داشتند.

بنکه های محلات نامی آشنا در مبارزه آزادیخواهانه مردم سنندج علیه ضد انقلابی اسلامی در سالهای ۵۷ تا اشغال کامل این شهر در اردیبهشت سال ۵۹ توسط نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی است. بنکه هایی که سمبل و ارگان دخالت مردم در مبارزه، در دفاع از شهر و اداره آن بود. این بنکه ها یکی از دستاوردهای مهم جنبش چپ و کمونیستی در ایران بود. این بنکه ها (شورای محلات) امکان شرکت وسیع، زنده، روزمره، فعال و مستقیم آنان را در تمام جوانب زندگی به وسیع ترین شکل مهیا کرد و تجلی زیباترین شکل اعمال اراده مستقیم و آزاد مردم در زندگی و مبارزه خود بود.

بوجود آمدن شوراهای محلات یا بنکه ها در سنندج رعد و برق در آسمان بی ابر نبود. برای درک این مسئله بایستی کمی به زمینه های این پدیده پرداخت، البته بایستی خودمان را در شرایط چهل سال گذشته قرار دهیم. (اوضاع ایران بعد از انقلاب، اوضاع کردستان و نیروهای دخیل و فعال در آن شرایط).

در ایران رژیم سرکار آمده بود که همان رسالت رژیم قبلی را در سرکوب خواست های انقلاب به عهده گرفته بود، اما با این تفاوت بزرگ که توده ها، زحمتکشان خواهان ادامه انقلاب و رسیدن به خواست های خود بودند، به خانه برگشته بودند و به اشکال مختلف (جنبش کارگری، زنان، دانشجویی، مردم آزادیخواه) پیگیر خواست های اساسی انقلاب بودند. از طرف دیگر ارگانهای سرکوب رژیم که در جریان قیام ضربه خورده بودند، به مقدار زیادی توان سرکوب و کنترل جامعه رو از دست داده بودند، و بطور کامل تثبیت نشده بودند.

ولی در کردستان این امر شدت بیشتری داشت، در شهر سنندج در جریان پروسه قیام و حتی بعد از سرکار آمدن جمهوری اسلامی جریانات چپ و بطور عام تفکر چپ دست بالا را داشتند، توانسته بودند جریان های اسلامی چه شکل محلی آن (دارو دسته مفتی زاده) و چه شکل نماینده حکومت مرکزی (جریان صفدری) لگام بزنند و منزوی کنند و از سوی دیگر جریان ناسیونالیسم کرد به رهبری حزب دمکرات هم



پیشروی طبقه کارگر و مردم آزادیخواه ایجاد کند. تعرضی که نه از سر قدرت بلکه از سر استیصال و زمین گیر شدن حاکمیت در برابر توفان انزجار جامعه از این نظام است. مدت هاست که مردم ایران "مدال" جنایات در حق زنان را به گردن جمهوری اسلامی آویخته اند و بی تردید تقاص این توحش و ستمکشی در حق زن را از این حاکمیت خواهند گرفت.

تاکنون فضای عمومی در دفاع از خانواده مهسا امینی و حلقه زدن یک جنبش آزادیخواهانه و برابری طلبانه سراسری حول انزجار از آپارتاید جنسی و قوانین اسلامی دیدنی و ستودنی است. تنها این جنبش است که می تواند متحدانه در دفاع از حق زن، سیاست ارباب حاکمیت را در هم بشکند و بر ویرانه های وضع موجود، جهانی آزاد و برابر برای بشریت و به ویژه برای زنان را رقم بزند. چند روز پیش شاهد گوشه هایی از قدرت و همبستگی این جنبش عظیم و سراسری در اعتراضات مردم آزادیخواه مریوان به قتل شلیق رسولی بودیم و امروز در مقابل بیمارستان کسرا در تهران بار دیگر قد علم کرد. این نفرت عمومی از ستمکشی زن در ایران و فضای اعتراضی علیه قوانین زن ستیز به قامت کل جامعه است. هشدار این جنبش را حاکمیت شنیده است. جنبشی که در کنار طبقه کارگر و به عنوان بخش در هم تنیده از موجودیت طبقه ما، می رود که جمهوری اسلامی را به زیالهدان تاریخ بسپارد و آینده ای آزاد و برابر را به ارمغان بیاورد.

دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی) ضمن ابراز تسلیت عمیق خود به بازماندگان مهسا امینی، به مقاومت و مبارزات گسترده زنان برای رهایی از یوغ بردگی و آپارتاید جنسی حاکمیت درود می فرستد.

نگگ و نفرین بر عاملان قتل مهسا امینی

زنده باد آزادی و برابری

**دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی)**

۱۶ سپتامبر ۲۰۲۲

بعد از چند روز مقاومت در برابر مرگ، مهسا امینی که در نتیجه ضرب و شتم گشت ارشاد در تهران دچار مرگ مغزی و سکنه شده بود، با کمال تأسف امروز جان باخت. قتل مهسا توسط مزدوران حاکمیت، روز روشن در برابر دیدگان خانواده اش، کل جامعه ایران را تکان داد. مردم ایران این جنایت وحشیانه را بی تردید بر جمهوری اسلامی نخواهند بخشید. این حاکمیت رفتنی است و باید تاوان قتل مهساها و تعرض آشکار به نیمی از جمعیت ایران به نام زنان را پس بدهد. این حکم زنان ایران، حکم جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی است.

حمله و تعرض هدفمند جمهوری اسلامی به زنان، قتل و کشتار آنان به بهانه های مختلف، باز کردن دست عوامل و اوباش اسلامی در تعرض به زنان در خفا و در خیابان، تنها گوشه های ناچیزی از یک یورش افسارگسیخته به جنبش برابری طلبانه زن و مرد در طول عمر ننگین این حاکمیت بوده است. امروز اما نه دوران افسارگسیختگی این نظام و عریضه کشی "برادران" و "خواهران" حزب الهی آن، که دوران سرازیری این حاکمیت در برابر توفان اعتراضات قدرتمند مردمی است که جنبش زنان در آن یکی از حلقه های اصلی و اساسی بزیر کشیدن این حاکمیت و یکی از قدرتمندترین جبهه های نبرد علیه جمهوری اسلامی است. این نظام در برابر خروش زنان ایران دوام نخواهد آورد. خیال باطل می کنند که با قتل مهساها و با تعرض به حق زن در ایران می توانند تعرض به کل جامعه ایران و به مردم محروم را آغاز کنند. زهی خیال باطل که در مقابل این نسل "سرکش"، ضدمنهذب، برابری طلب، پیشرو و تشنه رهایی از قوانین قرون وسطای اسلامی تاب مقاومت بیاورند؛ این نظام و عوامل منحوس آن تنها با این نوع "بزن در رو"ها، در خفا و به دور از چشم جامعه، پرونده خود را نزد مردم به تنگ آمده از وضعیت موجود سنگین تر می کنند. امروز جنبش زنان حلقه قدرتمند اعتراض میلیون ها انسان دردمند در جامعه ایران است که حاکمیت اسلامی و نظام سرمایه داری را به پرتگاه سقوط کشانده است. برای جمهوری اسلامی تعرض و جنایت علیه زنان و تحمیل عقبگرد به آنان قرار است سدی در برابر

نفوذ چندانی در شهر سندانج نداشت.

این امر به همت فعالیت تعداد زیادی افراد فعال چپ و خوشنام در بین مردم که به طور عملی درگیر تمام فعل و انفعالات بودند بوجود آمده بود، به یک معنی افرادی که پیشان روی زمین سفت بود و عملاً همگام و دوشادوش مردم در تمام زمینه ها مشارکت فعال داشتند.

بعد از قیام شهر سندانج شاهد رخدادهای زیادی بود (جنگ خونین نوروز ۵۸، تشکیل شورای شهر سندانج، راهپیمایی بطرف شهر مریوان در حمایت از آنها در جریان کوچ تاریخی آنها و...) که موضوع این نوشته نیست، اما این رخدادها زمینه ساز و بعنوان تجربه خوبی در بوجود آوردن شوراهای محلات بود.

در اینجا لازم است به طور اختصار مروری کنیم روی اتفاقاتی که رخ داد.

جنگ خونین نوروز ۵۸ سندانج در اساس ادامه انقلاب بود، مردم سندانج به ارگانهای تازه تاسیس رژیم اعتراض داشتند و خواهان برچیدن آنها از داخل شهر بودند. خواهان کنترل شهر توسط نیروهای مردمی مسلح بودند و خواهان برگشت تمام ارگانهای رژیم به داخل پادگانها بودند. ارگانهایی نظیر مکتب قران و کمیته صفدری.

مکتب قران همان دارو دسته مفتی زاده بودند، جریان اسلامی اخوان المسلمینی به شدت ضد چپ و ضد کمونیست. ورژن سنی جریان اسلامی، در مقابل جریان صفدری ورژن شیعه جمهوری اسلامی. از سوی دیگر انقلابیون و افراد چپ و کمونیست داخل پادگان شهر سندانج در اعتصاب بودند و خواهان تحویل دادن تمام فرماندهان به مردم و دادگاهی شدن آنها، تحویل انبار اسلحه به ارگانهای مردمی داخل شهر بودند.

در این کشمکش از طرف نیروهای چپ و کمونیست و ضد انقلاب اسلامی تازه سر کار آمده جنگ نوروز سندانج شروع شد. رژیم اسلامی از داخل پادگان شهر شروع به توپ و خمپاره باران شهر کرد و تعداد زیادی از مردم غیر مسلح کشته شدند. در عوض این تعرض نیروهای چپ و کمونیست فرمان عمومی برای حمله به پادگان شهر صادر کردند، جانباخته صدیق کمانگر در اردیوسندانج از طرف تمامی نیروهای چپ و کمونیست سخنرانی آتشینی انجام داد و فرمان حمله پادگان را صادر کرد.

جنگ خونینی در گرفت که در نهایت مردم توانستند قسمتی از پادگان متعلق به هنگ ژاندارمری را تصرف کنند و تمامی اسلحه ها را مصادره کنند. البته تعدادی از مردم در جریان این حمله اسیر نیروهای رژیم شدند. مکتب قران و کمیته صفدری از داخل شهر برچیده شدند. در نهایت رژیم اعلام آتش بس کرد و هیاتی را به سرپرستی طالقانی راهی سندانج نمود، در نتیجه مذاکرات این هیات با نمایندگان مردم قرار بر این شد شورایی پنج نفره اداره شهر را بدست بگیرد و اسرای مردم در پادگان آزاد شوند، نیروهای رژیم در پادگان بمانند و حق دخالت در امور شهر را نداشته باشند..

نطفه کنترل محلات از همان چند ماه قبل از قیام بسته شد، زمانی که رژیم شاه و ارگانهای

سرکوب به حالت نیمه فلج درآمده بودند، ناتوان از ارائه خدمات شهری، تامین امنیت و خود منشا ناامنی بودند.

انقلابیون و افراد آزادیخواه، کمونیست ها، جوانان و روشنفکران ضد رژیم شاهی در صدد برآمدن که این خلاء قدرت را پر کنند، بدین خاطر در اکثر محلات تشکل هایی شکل گرفت برای توزیع مایحتاج ضروری مردم به شکل شکل عادلانه، بخصوص نفت که بعلت اعتصاب کارگران شرکت نفت کمیاب شده بود.

همچنین این تشکل ها در حفظ امنیت محلات نقش فعالی داشتند هم در برابر عوامل رژیم شاهی و هم دارودسته های ارزال و اوباش که بیشترشان در خدمت رژیم بودند برای ارباب مردم به پا خواسته.

بعد از انقلاب این تشکل ها با سر کار آمدن رژیم اسلامی در فضای جدیدی به کار خود ادامه دادند

۱- بسیج و ترغیب مردم جهت شرکت فعال در انتخابات شورای شهر سندانج.

بعد از جنگ نوروز خونین سندانج و اعلام آتش بس موقت و تشکیل شورای موقت پنج نفره، قرار بر این بود که انتخابات وسیع و آزاد با شرکت تمام نیروها، احزاب و شخصیت های مستقل برگزار شود. بنکه ها نقش اساسی در ترغیب مردم برای شرکت هر چه وسیعتر به عهده داشتند. در ضمن عهده دار نظارت و کنترل کامل در اجرای درست، بدون تقلب از مرحله تبلیغ کاندیداها تا مرحله رای گیری داشتند. در واقع میتوان گفت این اولین و تنها انتخابات آزاد در رژیم اسلامی بود.

در نتیجه شورایی یازده نفره تشکیل شد که متشکل بود از نیروهای چپ و کمونیست، افراد مستقل و افراد وابسته به مفتی زاده.

۲- بسیج و تبلیغ جهت شرکت در راهپیمایی بزرگ بسوی شهر مریوان برای پشتیبانی از مردم شهر مریوان جهت بیرون راندن ارتش و عوامل سرکوب رژیم جمهوری اسلامی از داخل شهر.

مردم شهر مریوان، انقلابیون و آزادیخواه به رهبری نیروهای چپ و کمونیست خواهان برچیدن مقرهای مکتب قران در سطح شهر بودند که مشغول تعرض به مردم به انواع و اشکال مختلف بودند، در این راستا درگیری بین مردم و نیروهای چپ و کمونیست از یکطرف و مکتب قران که از نیروهای رژیم در پادگان شهر مریوان حمایت و تقویت میشدند در گرفت که منجر به جانباختن تعدادی از نیروهای چپ و کمونیست شد.

مردم و آزادیخواهان مریوان به رهبری کومله بعنوان اعتراض و با خواست برچیدن مقرهای مکتب قران و عوامل رژیم اسلامی شهر را ترک کردند و به حومه شهر کوچ کردند، شهر کاملاً از سکنه خالی شد. لازم به ذکر است شخص زنده یاد فواد مصطفی سلطانی نقش جدی در این حرکت داشت.

در شهرهای دیگر کردستان از جمله سقز، بانه و سندانج راهپیمایی اعتراضی به سمت مریوان در حمایت از کوچ تاریخی مردم مریوان

سازماندهی شد.

بنکه های شهر سندانج به اشکال مختلف نقش اساسی در برگزاری این راهپیمایی مردم شهر داشتند. برای محافظت از هزاران نفر در طول مسیر جاده سندانج به مریوان احتیاج به نیروی نظامی بود، افراد مسلح در تمام بنکه های سطح شهر توانستند بخش عمده این نیرو را تأمین کنند.

عمده دغدغه از لحاظ امنیتی حمله افراد قیاده موقت (حزب دمکرات کردستان عراق یا همان جریان بارزانی) بود که همکاری نزدیکی با رژیم اسلامی داشتند.

تهیه مواد غذایی و آب برای هزاران نفر در طول راهپیمایی که حدود یک هفته طول کشید کار آسانی نبود، باز هم افراد متشکل در بنکه ها در این امر نقش بسزایی داشتند. دهات اطراف مسیر راهپیمایی هم در تامین مواد غذایی هم پای اساسی این نیاز بودند.

۳- بسیج نیرو و شرکت فعال در دفاع از جمعیت دفاع از آزادی و انقلاب شهر سندانج، زمانی که اسلامی های شهر (دارو دسته مفتی زاده) قصد حمله به آن را داشتند.

جمعیت دفاع از آزادی و انقلاب مکانی بود متشکل از افراد، نیروهای چپ و کمونیست که در اداره شهر در همکاری با شورای شهر، امنیت و سایر نیاز های مردم دخیل بودند.

اما نیروهای مفتی زاده تنها نیروی اسلامی در سطح شهر همیشه مشغول سانتاژ بر علیه جمعیت بودند و در یک مقطع با بسیج در اویس و اوباشان سطح شهر قصد حمله به مقر جمعیت را داشتند. زیرا تحمل آزادیهای وسیع و امنیت کامل که در شهر به رهبری کمونیستها برقرار شده را نداشتند، این حمله با درایت جمعیت و و فراخوان بنکه ها برای حفاظت از جمعیت در نطفه خفه و خنثی شد.

در عرض چند ساعت صدها نیروی مسلح از طرف تمام بنکه های سطح شهر به طرف جمعیت روانه شدند. نیروهای مفتی زاده با آگاه شدن از این میزان پشتیبانی بدون اینکه جرأت درگیری داشته باشند عقب نشینی کردند.

۴- دایر کردن کتابخانه در محله، که به مرکزی برای تجمع مردم محل در جهت آموزش سیاسی و آشنا شدن به حقوق پایه ایی آنها تبدیل شده بود.

۲۸ مرداد ۵۸ رژیم ضد انقلاب اسلامی به فرمان خمینی و صدور فرمان حمله توسط بنی صدر که گفت بند بوتین هایتان را باز نکنید تا به غایله کردستان پایان میدهید، به شهرهای کردستان و عقب نشینی موقت سازمانها و احزاب فعال به خارج شهر فعالیت کمیته ها و هسته های محلی هم متوقف شد.

شروع دوباره فعالیت این تجمع ها و هسته ها بعد از آتش بس آبان ماه ۵۸ بود که بین حکومت مرکزی و گروهها و سازمانهای نظامی برقرار شد و دوباره تمامی گروهها و سازمانها کنترل شهر را بدست گرفتند.

آتش بس زمانی صورت گرفت که رژیم شکست های نظامی مفتحصانه از دست نیروهای مسلح و مردم خورد. رژیم برای تجدید قوا و به ناچار تن به این آتش بس داد، داشت وقت میخرد برای



حمله مجدد و بدست گرفتن کنترل شهرها.

با تحت کنترل در آمدن مجدد شهرها، برای اداره شهر و پاسخ دادن به نیازهای روزمره زندگی مردم نیاز عاجلی احساس میشد، مخصوصاً وقتی رژیم به شهر کامیاران نزدیکی سنندج حمله کرد، آتش بس را شکست و شهر کامیاران را باز پس گرفت، در نتیجه این حمله تعداد زیادی آواره راهی شهر سنندج شدند، برای اسکان دادن این تعداد از مردم آواره نیاز بود کارهایی در کل شهر انجام بگیرد، قبل از این جریان آوارگی مردم کامیاران، شورهایی تشکیل شده بود که هر کدام تقریباً جداگانه عمل میکردند.

اما بعد از آواره شدن مردم کامیاران جرقه تشکیل شواری مرکزی شهر سنندج زده شد. زیرا نیاز بود در کل شهر هماهنگ عمل شود و کل شهر را با نیازهای ماکرو پوشش داد.

این امر از طرف شورای محله "آغه زمان" شروع شد، با دعوت از تمامی شورهایی فعال در سطح شهر و انتخاب نمایندگان از هر شورا، شورای مرکزی شهر تشکیل شد.

از این بعد شوراها با تشکیل این مرکز هماهنگ تر و کارا تر عمل میکردند.

بطور اخص شورا های محلات با توجه به نیازهای آن وقت و درک نیروهای انقلابی از وظایف و نقش شورا و درجه همکاری سازمان های فعال در شهر (کومه له، چریک های فدایی خلق، پیکار و اتحادیه کمونیست های ایران به نام پیشمرگان زحمتکش، در امور زیر دخیل بودند.

توزیع خواروبار و مایحتاج مردم تا حد ممکن به شکل عادلانه در محل.

نگهبانی و حفظ امنیت محله در برابر هسته های مخفی عوامل مفتی زاده، رژیم، سرقت و بزهکاری (در اینجا بایستی متذکر شد که آمار سرقت و بزهکاری در دوران کنترل شهر توسط سازمانها و شورای محلات به پایین ترین حد خود در تاریخ شهر سنندج رسیده بود)

تشکیل جلسات بحث و گفتگو روزانه حول مسائل مطرح روز.

دعوت از سازمانهای فعال در شهر برای سخنرانی و تشریح مواضع سازمانی آنها. این جلسات در مساجد محلات برگزار میشد، مالاها و خدمه و حشمه مساجد بطور کامل اتورپته بنکه های وچپ را پذیرفته بودند و حتی گاهاً همکاری میکردند. در مجموع مساجد توسط بنکه ها به محل بسیج نیرو تبدیل شده بود.

آموزش نظامی افراد داوطلب. چونکه مردم و نیروهای چپ و کمونیست میدانستند دیر یا زود رژیم برای بازپس گیری شهرها حمله ای همه جانبه را آغاز خواهد کرد، بدین خاطر آموزش نظامی هر چه بیشتر افراد برای دفاع از شهر ضروری بود. تنها حزبی که به توافق با رژیم دل خوش کرده بود حزب دمکرات بود، حزب دمکراتی که از بالای سر هیئت نمایندگی خلق کرد که مشغول مذاکره بودند، خودش به تنهایی و مخفیانه مشغول مذاکره بود برای سازش و توافق با جمهوری اسلامی، حتی در مدت آتش

بس ستونهای نظامی رژیم را اسکورت میکرد که خودشان را به داخل پادگانها برسانند. نمونه مشخص آن شهر مهاباد بود. قبل از شروع جنگ ۲۴ روزه سنندج در بهار ۱۳۵۹ ستونی بزرگ نظامی از طرف رژیم میخواستند وارد پادگان سنندج شوند، حزب دمکرات قول اسکورت آنها به رژیم داده بود، اما از همان نقطه وردی توسط مردم مبارز سنندج، جوانان انقلابی متشکل در بنکه ها و سایر نیروها (کومه له، پیکار، چریک های فدایی خلق) مانع ورود ستون نظامی به شهر شدند، بنکه ها و سازمان های فعال در شهر با فراخوان راهپیمایی به طرف ستون نظامی، دیواری هزاران نفره انسانی مقابل آن ایجاد کردند. ستون نظامی ستون اما میخواست با دور زدن شهر از راهی دیگر وارد پادگان شوند، اما با عکس العمل به موقع کومه له، پیکار و سازمان چریکهای فدایی خلق در یک درگیری نظامی اطراف روستای ننه له کاملاً در هم شکسته و تارو مار شد و هرگز به پادگان نرسید.

آموزش کمک های اولیه و تشکیل گروه های امداد (گروه های امداد تشکیل شده توسط شوراها نقشی حیاتی در هنگام جنگ ۲۴ روزه سنندج ایفا کردند) در طول جنگ ۲۴ روزه شهر سنندج از زمین و آسمان زیر شدیدترین بمباران، خمپاره و توپ باران بود، بیمارستان هم از این قاعده مستثنی نبود، نصفی از بیمارستان در اثر اصابت گلوله توپ و خمپاره ویران شده بود. پزشکان و پرستاران در این شرایط زخمی ها و سایر بیماران را مداوا میکردند. دسترسی به تنها بیمارستان شهر در این شرایط اگر نگوییم غیر ممکن اما بی نهایت سخت و پر مخاطره بود. بدین منظور بنکه ها با همان امکانات اولیه شروع به دایر کردن بیمارستان های کوچک و مخفی کردند و با همان امکانات اولیه جان صدها نفر از مردم غیر مسلح شهر پیشمرگان و ... را نجات دادند. مخفی بدین علت بیم آن میرفت که از طرف هسته های مخفی جریان اسلامی اخوان المسلمین مفتی زاده و عوامل رژیم گره نظامی محل بیمارستان به پادگان مخابره شود و مورد حمله قرار بگیرد.

حل و فصل اختلافات و کمک های مشاوره ای به افراد ساکن محله.

۸- دایر کردن کتابخانه و هسته های مطالعاتی.

۹- در نبود مراکز خدماتی در سطح شهر برای رفع نیازهای مردم (بهداشتی و درمانی، آذوقه و خواروبار و سوخت). به جای این مراکز و برای تسهیل امورات روزمره مردم کاری بایستی کرد، بنکه ها بطور شایسته ایی این امر را به انجام رساندند. بنکه ها در هماهنگی با اصناف و بازاریان و گاهاً مصادره انبارهای مواد غذایی احتکار شده مایحتاج مردم شهر را تامین میکردند.

۱۰- در طول اداره شهر توسط بنکه ها و سازمان های سیاسی دسته دسته جوانان و آزادیخواهان از شهرهای مختلف ایران به کردستان می آمدند و به بنکه ها و سازمان های سیاسی سر میزدند، سوالات و نکته های خود را طرح میکردند و جواب میگرفتند،

بخشاً حتی آموزش های اولیه نظامی را یاد میگرفتند و برمیگشتند. سنندج و کردستان بطور عام به سنگر دفاع از انقلاب تبدیل شده بود، اما این سنگر با ارزش، پیروسه ارزشمند تداوم انقلاب با حمله رژیم به کردستان از دست رفت.

بطور عام چپ و کمونیست ها درگیر مسائل مردم از کوچکترین مسئله تا بزرگترین آن بودند و پایشان روی زمین سفت، گره خورده بودند به یک جنبش عظیم اجتماعی برای ادامه انقلاب. چپ و کمونیست بودن و از کمونیست ها دفاع کردن به داده ای نرمال تبدیل شده بود، غیر از آن جای تعجب بود.

۱۱- بنکه ها در جریان عقب نشینی نیروهای نظامی از شهر و با هماهنگی نیروهای سیاسی برای حفظ جان افرادی که در بنکه ها فعال بودند و بیم آن میرفت با اشغال شهر توسط رژیم اسلامی دسنگیر شوند، برای انتقال آنها به خارج شهر نقش بسزایی داشتند

۱۲- جمع آوری روزانه نشریات و خبر نامه از تمام سازمانهای مستقر در شهر و در دسترس قرار دادن آنها برای افراد محله.

سپتامبر ۲۰۲۰

**مزب مکتیست (فط  
رسمی) همه کارگران را  
فراقوان میدهد که با پرچم  
ماکمیت شوراها، با دفالت و  
شکل دادن به آن در محلات  
زندگی، با تشکیل مجامع  
عمومی سازمانیافته کارگری  
در محل کار و با شکل دادن  
به شوراها کارگری، زمینه را  
برای دفالت متمد و سراسری  
طبقه کارگر و متمد شدن  
مردم ایران آماده کنند. شرط  
پیروزی در این دوران دفالت  
سازمانیافته و متمد طبقه  
کارگر با پرچم عدالتفواهی  
کارگری با پرچم آزادی و  
برابری است.**

## سوتاندنی حجاب و هه‌ره‌شهی هیزه ئیسلامیه‌کان له کوردستانی

### عێراق

قهومی و سونه‌تیه‌کان که ته‌وقی کۆیله‌تی کردوته مل ژنان.

کۆنیه‌پرستانی ده‌سه‌لاتدار له کوردستانی عێراق، حیزبه‌کانی خاوه‌ن ده‌سه‌لات له‌م کۆمه‌لگا ده‌بی شێرم بکهن و سه‌ر دابخهن. هه‌ر شه‌ له "نه‌غه‌ده عوسمان" به‌ تاوانی دیفاع له‌ ژنانی نازادیه‌خواز له‌ تێران و دیفاع له‌ مافی ژن و سوتاندنی ره‌مزی کۆیله‌تی ژن، وه‌ک په‌لی ره‌ش و نه‌نگین له‌ میژویندا ده‌مینیته‌وه. ئه‌م سه‌کالایه‌ هه‌رشیک نه‌ک بۆ سه‌ر "نه‌غه‌ده عوسمان" به‌لکه‌ بۆ سه‌ر ژنانی نازادیه‌خواز و ناوچه‌کهمیه‌ و راگه‌یاندنی شه‌ره‌ له‌ دژی ئه‌وان .

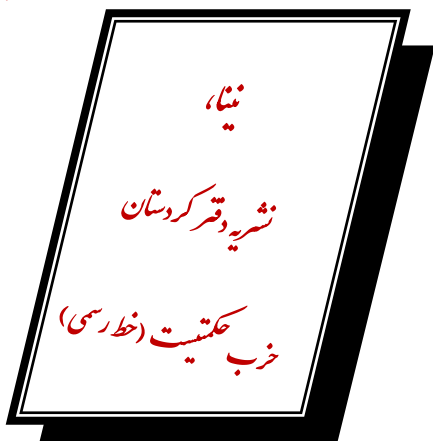
ره‌وت و کۆنیه‌پرسته ئیسلامیه‌کان و حیزبه ناسیونالیسته‌کانی ده‌سه‌لاتدار له کوردستانی عێراق، باش بزانه‌ن که ئه‌و حه‌رکه‌ته‌ی که له تێران وه‌رێ که‌وته، هاوڕێ له‌گه‌ڵ بزوتنه‌وه‌ی ره‌زگاری خواز و یه‌کسانی خواز له کوردستانی عێراق، سه‌رجه‌م یاسای شه‌ریعه‌ت و یاسای دژه ژن و دژه ئینسانی راده‌مائی و له‌ نیو قه‌قه‌سی ده‌کات. بزوتنه‌وه‌ و نارزایه‌تی ژنان بۆ گه‌یشتن به‌ مافی ئینسانی و به‌رابه‌ری ژن و پیاو له تێران، به‌شیکه‌ له‌ ره‌وتیک به‌ به‌ربلایه‌ پانتایی ناوچه‌که‌ له‌ لوبنان و عێراقه‌وه‌ تا ئه‌فغانستان و .. که سه‌رجه‌م جیهان و شارستانیه‌تی هه‌یناوه‌ته شوره‌شوق.

ژنان له‌ تێران ته‌نیا لوتکه‌ی شاخیکی سه‌هۆلین له‌ هه‌رشیکه‌ میژوینی بۆ رامالینی ناپار تایدی جنسی و یاسا ئیسلامیه‌کان. هه‌رشیک که له‌ تێران هه‌ ده‌ستی پێ کردوه و گه‌رده‌لولیکه‌ که سه‌رجه‌م ناوچه‌که‌ و له‌وانه کوردستانی عێراقی داگرتوه و کۆنیه‌پرسته دژه ژنه‌کانی تۆقاندوه .

ده‌فته‌ری کوردستانی حیزبی حیکمه‌تیست (خه‌تی ره‌سمی) هاوڕێ له‌گه‌ڵ کمۆنیسته‌کان و ژنانی یه‌کسانی خواز له کوردستانی عێراق و هاوڕێ له‌گه‌ڵ حیزبی کمۆنیستی کریکاری کوردستان له‌ پێشه‌وه‌ی ئه‌م نارزه‌ایه‌تی و هه‌رشه‌ی ژنان دژ به‌ کۆنیه‌پرسته‌ی ئیسلامی. حیزب و ره‌وته ئیسلامیه‌کان و پارلمانی کارتونی کوردستانی عێراق ئه‌وه‌ بزانه‌ن له‌ نه‌گه‌ری هه‌ر هه‌له‌یه‌ک، بێ گومان له‌گه‌ڵ بورکان و گه‌رده‌لولی رق و بێزاری بزوتنه‌وه‌ی دژه ئیسلامی ژنان به‌ره‌وره‌وه‌ ده‌بن.

**ده‌فته‌ری کوردستانی حیزب حیکمه‌تیست (خه‌تی ره‌سمی)**

٢٥ ی سینیامبه‌ری ٢٠٢٢



هاوڕێ له‌گه‌ڵ ژنان و کچانی بویر له‌ تێران، له‌ گه‌ردونه‌وه‌یه‌کی نارزه‌ایه‌تی له‌ سلیمانی، له‌چکی وه‌ک سه‌مبولی کۆیله‌تی و بێ مافی ژن ناگر تێبه‌ردا.

ئه‌مه‌ش وه‌ک چۆن ئاو له‌ هیلانه‌ی میرو ده‌که‌ی، ناوه‌ه‌اش هه‌یزه ئیسلامی و کۆنیه‌پرسته‌کان و ده‌سته و تاومه ئیسلامیه‌کان له‌ مه‌لاوه‌ بگه‌ره‌ تا نوێنه‌ری پارلمان و حیزب و ره‌وته ئیسلامیه‌کانی تویره کرد و هیلانه‌ی لی شیواندن.

وا دیاره به‌ هه‌رشه‌ی ژنان له‌ تێران و له‌ درێژه دا هاته‌ته مه‌یدانی ژنانی باوهره‌خۆ و به‌ هه‌زتر له‌ جاران له‌ سلیمانیه‌، ته‌خت و به‌ختی موفته‌خۆری و چاره‌نوسی ئه‌وانی هه‌یناوه‌ته له‌رزه‌ به‌ره‌و نه‌مانیان نه‌بات .

ترس له‌ چاره‌نوسیکی وه‌ک کۆماری ئیسلامی، سه‌رتاپای ئه‌م کۆنیه‌پرسته و موفته‌خۆره ئابینی یانه‌ی داته‌نیوه و ئه‌وانی خستوته په‌له‌قاژه . هه‌یزه ئیسلامیه‌کان که پێشتر و له‌ پاش ده‌رکردنی قنای کوشتنی "ریبوره ئه‌حمه‌د" کمۆنیستی ناسراو و خۆشه‌ویست، ولامیکی گونجاویان له‌ خه‌لکی کوردستان وه‌رگرتبو، ئه‌مه‌جار میان له‌ چواره‌چیه‌ی سه‌کالای ژنیکی موسلمان که ئه‌ندامی پارلمانه کارتونییه‌که‌ی کوردستانه‌ له "نه‌غه‌ده عوسمان" ده‌ستیان داوته هه‌رش بۆ سه‌ر بزوتنه‌وه‌ی نازادیه‌خوازه‌ی خه‌لک له کوردستانی عێراق . به‌ ره‌والت "نه‌غه‌ده عوسمان" بێ ره‌یزی به‌ بۆچون و یاسای گۆن و سه‌ده‌کانی ناوهره‌ستی ئیسلامی کردوه و ده‌بی سزا بدریت.

ئه‌م ره‌وتانه‌ ساڵانیکه‌ له‌ ژێر سایه‌ی ده‌سه‌لاتی حیزبه کوردیه ناسیونالیسته‌کان و شان به‌ شانی ئه‌وان، یاسای شه‌ریعه‌تیان به‌ سه‌ر کوردستانی عێراق سه‌پاندوه و ساڵانه کۆمه‌لێک له‌ ژنان به‌ تاوانی حه‌قخوازی و مل که‌ج نه‌کردن بۆ یاسای کۆنیه‌پرسته‌نه‌ به‌ مه‌رگ مه‌حکوم نه‌کهن.

ئه‌و بزوتنه‌وه‌ی که له‌ تێران وه‌ ره‌ی که‌وته له سه‌رجه‌م ناوچه‌که‌ له‌وانه‌ له‌ ئه‌فغانستانه‌وه‌ بگه‌ره‌ تا عێراق و هه‌رمیه‌ی کوردستانی عێراقی داته‌نیوه و له‌ هه‌لکه‌شاندایه‌، بزوتنه‌وه‌یه‌ک بۆ یه‌کسانی و ره‌زگاری ژنان له‌ چنگ سه‌رجه‌م یاسا کۆنیه‌پرسته ئابینی و

به‌ کۆژرانی مه‌هسا ئه‌مینی چه‌مخامه‌ی بزوتنه‌وه‌ی مافی ژن، بزوتنه‌وه‌ی نارزه‌ایه‌تی ژنان بۆ نازادی و به‌رابه‌ری و ره‌زگاری، له‌ تێران لێدرا. کۆژرانی مه‌هسا، رق و بێزاری ژنان و پیاوانی نازادیه‌خواز له‌ ده‌سه‌لاتی ئیسلامی و سه‌رجه‌م یاسا دژه ئینسانییه‌کانی گۆری به‌ بزوتنه‌وه‌یه‌کی به‌ربلای کۆمه‌لایه‌تی له‌ تێران .

بزوتنه‌وه‌یه‌ک که ژێر پێی ده‌سه‌لاتی ئیسلامی و دژه ژنی داخ کردوه و هه‌تا ئه‌م کاته‌ش شکستیکی گه‌وره‌ی به‌ سه‌ر کۆماری ئیسلامیدا سه‌پاندوه .

کۆمه‌ل، کۆمه‌ل ژنان و کچانی بێزار له‌ حجاب که سه‌مبولی سوکایه‌تی و بێ مافییه‌، به‌ سوتاندنی له‌چک و حجابیه‌کانیان و هه‌روه‌ها به‌شداری بویرانه‌یان به‌ بێ حجاب و بێ له‌چک له‌ خۆپێشاندا و نارزه‌ایه‌تیه‌کان و خۆراگری بویرانه‌ی لاوان له‌ به‌رانبه‌ر هه‌یزی سه‌رکوتگه‌ر و هه‌تا .... هه‌موی نه‌مانه‌ جیگا و پێگه‌ی ژێر ده‌ستانی، به‌تایبه‌ت بزوتنه‌وه‌ی به‌رابه‌ری و ره‌زگاریخوازانه‌ی ژنانی له‌ به‌رنبه‌ر ده‌سه‌لاتدار به‌ قه‌زاجی ژێر ده‌ستان گۆری .

هه‌یزی ژنان، باروودۆخی ئه‌وانی وه‌ک نیوه‌ی کۆمه‌لگا، قورسایه‌ی و گرینگی خۆی سه‌پاند و ئه‌م هه‌یزه و ئه‌م پێگه‌ و ئه‌م هه‌رشه‌ی ژنان هاوڕێ له‌گه‌ڵ بزوتنه‌وه‌ی کریکاری، نه‌ک ته‌نیا هاوسه‌نگی هه‌یزی کۆمه‌لگای له‌ تێران به‌ قازانجی خۆی گۆری، به‌لکه‌ مۆری خۆی له سه‌رتاسه‌ری جیهان و به‌تایبه‌ت له‌ ولاتانی ئیسلامی ناوچه‌که‌ دا .

ئه‌وه‌رۆ گر و تینی بزوتنه‌وه‌ی ژنان بۆ نازادی و به‌رابه‌ری زیاتر له‌ جاران، جیگا و شوینی ئه‌وانی له‌ کۆمه‌لگا به‌ راده‌یه‌کی به‌ر چاو به‌رزکردوته‌وه‌. ترس و دلهره‌وکیی ده‌سه‌لاتدارانی ئیسلامی و ره‌وته کۆنیه‌پرسته‌کان له‌ په‌راویزی ئه‌م گۆرانکاریه‌ دا که ژنان هه‌یزی بنه‌رته‌ی و هه‌لسوراوی ئه‌م بوارهن، جیگای سه‌رنجه .

ژنان و پیاوانی نازادی خواز و یه‌کسانی خوازیش له‌ هه‌رمیه‌ی کوردستانی عێراق و له‌ شاری سلیمانیه‌ بۆ دیفاع له‌ بزوتنه‌وه‌ی ژنان له‌ به‌گژدا چۆن به‌ سه‌ر ده‌سه‌لاتی کۆنیه‌پرسته‌ی له‌ تێران و هه‌روه‌ها به‌شیک له‌ خه‌باتی ئه‌وان بۆ نازادی و به‌رابه‌ری و له‌ دژی ده‌سه‌لاتی ره‌شی مه‌زه‌هب و یاسای ئیسلامی له کوردستانی عێراق، هاته‌نه مه‌یدان و هاوکات له‌گه‌ڵ بزوتنه‌وه‌ی سوتانی حجاب له‌ تێران، له‌ شاری سلیمانیه‌ش ژنان زۆر بویرانه و به‌ره‌ی نازایه‌تیه‌وه‌ ده‌ستیان دایه سوتاندنی حجاب، وه‌ک سه‌مبولی ده‌سه‌لاتی کۆماری ئیسلامی و ره‌وته کۆنیه‌پرسته ئیسلامیه‌کان له‌وانه‌ له عێراق .

"نه‌غه‌ده عوسمان" یه‌کێک له‌ سه‌یما ناسراوه‌کانی بواری دیفاع له‌ مافی ژنان و یه‌کێک له‌ سازمان ده‌ران و ته‌بێژانی ئه‌م جولا‌نه‌وه‌ که هاوکات یه‌کێکه‌ له‌ ئه‌ندامانی رابه‌ری "حیزبی کمۆنیستی کریکاری کوردستان"، له‌ کوردستانی عێراق،



